NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۰
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران



علی‌الاصول؛ راهبردی که ورق را برگرداند

با بازگشت ایران به علی الاصول مورد تاکید رهبر انقلاب و چیدمان آرایش هجومی و دیپلماسی بدون شعارزدگی از سوی شعام و عملیات‌های قاطع نیروهای مسلح در تنگه هرمز، میتوان اذعان داشت با عملیاتی سازی راهبرد و رویکرد علی الاصول، دشمن در جنگ اراده‌ها و تاب آوری اقتصادی شکست خورد. موضوعی که بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان و تحلیلگران برجسته داخلی و بین‌المللی بدان اعتراف کردند.

۲



قربان نامنظم کالابرگ

عضو هیئت‌رئیسه مجلس می‌گوید: دولت با نوعی آشفتگی در اجرای طرح کالابرگ همراه است و هنوز مشخص نیست بر چه مبنایی خانوارها را از فهرست مشمولان حذف می‌کند

۴

مذاکرات جاری در کدام اتاق تصمیم‌گیری می‌شود؟

پدرام حسینی
روزنامه‌نگاری

پیام تاریخی رهبر انقلاب به مناسبت ۱۳ آبان، مرزبندی روشنی با هرگونه مذاکره تسلیم‌آمیز و امیدبستن به تغییر رفتار آمریکا ترسیم کرد؛ مرزبندی‌ای که در شرایط تهدیدهای فزاینده ترامپ، تحرکات نظامی واشنگتن در منطقه و انتشار گزارش‌هایی از عقب‌نشینی‌های جدید در مذاکرات، اهمیتی دوچندان دارد. اکنون باید مشخص شود چه کسانی برخلاف موضع صریح رهبری، با تکرار مسیرهای شکست‌خورده، زمینه جسارت و تجاوز مجدد آمریکا را فراهم می‌کنند.

متن کامل در صفحه ۷



عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

آتش‌بس در فروردین‌ماه امسال اشتباه بود

۳



وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی در نوشتاری ناظر به انتخابات اخیر آمریکا مطرح کرد؛

هشدار به دیپلماسی

۳

اقتصادی | صفحه ۵

تحریم‌زدایی با شرقی‌ها معطل دولت پزشکیان

ایران برای تثبیت جایگاه خود در نظم آینده، بیش از هر زمان دیگری به توسعه روابط راهبردی با قدرت‌های نوظهور نیاز دارد. با این حال، تداوم برخی نگاه‌های غرب‌محور، فرصت‌های گسترده همکاری اقتصادی با چین و روسیه را با موانع جدی مواجه کرده و این نگرانی را به وجود آورده که بار دیگر از تحولات بزرگ جهانی عقب بمانند.

فرهنگی | صفحه ۸

در رثای منصور انوری، راوی مهجور انقلاب

انوری با وجود آنکه مورد تحسین بسیاری قرار گرفت و توانست جایزه جلال آل احمد را هم به دست بیاورد، اما به دلیل ضعف نشر در زمینه توزیع آنطور که باید و شاید مورد اشاره و نقد قرار نگرفت؛ رویکردی که خوشبختانه در قبال هدایت‌الله بهبودی و مرتضی سرهنگی تکرار نشد.

خبر کوتاه

جلیلی: نمی‌شود همه تکالیف NPT را انجام دهیم و از حقی برخوردار نشویم

سعید جلیلی، نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به ضرورت اصلاح مناسبات ناعادلانه جهانی گفت: یکی از اهداف بلندمدت باید اصلاح روندهای غلطی باشد که به نظام سلطه اجازه می‌دهد چنین رفتارهایی را ادامه دهد. چگونه می‌توان پذیرفت که در غزه ده‌ها هزار زن، کودک و غیرنظامی کشته شوند، اما نهادهای بین‌المللی سکوت کنند؟ یا به تأسیسات هسته‌ای که فعالیت‌های آن‌ها در چارچوب نظارت آژانس و برای مقاصد صلح‌آمیز بوده، حمله شود و آژانس و شورای حکام واکنش مؤثری نشان ندهند؟ اصلاح این مناسبات به اقدام و ابتکار در سطح جهانی نیاز دارد. وی با تأکید بر ضرورت پیگیری حقوق ایران در نهادهای بین‌المللی اظهار کرد: ایران عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و این عضویت‌ها باید در کنار انجام تعهدات، امکان بهره‌مندی از حقوق را نیز فراهم کنند. نمی‌توان از یک کشور خواست همه تکالیف خود را انجام دهد، اما در مقابل از هیچ حقی برخوردار نباشد و حتی به دلیل انجام همان تعهدات، با تهدید و حمله نظامی مواجه شود.

درخواست نبویان از دبیرشعام برای کنارگذاشتن اعضای سابق مذاکرات اسلام‌آباد

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در صفحه شخصی خود نوشت: به دلیل تجربه‌های شکست‌خورده مذاکره با آمریکا که با عدم دقت و خوش‌خیالی نسبت به دشمن، نتایج آن منجر به خسارات زیادی شده است و متأسفانه اعضای سابق در مذاکرات جاری هم حضور دارند، از دبیرمحترم شعام درخواست داریم که در شرایط حساس کنونی، تجدیدنظری در اعضای تیم مذاکره داشته باشند.

قاضی‌زاده هاشمی: وظیفه ما مطالبه ساخت سلاح هسته‌ای است

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم با اشاره به این موضوع که دشمن ما به ما فهمانده که با هیچ زبان دیگری جز سلاح هسته‌ای نمی‌توانیم با او حرفی بزنیم. گفت: در زمان جنگ ۸ ساله مردم از امام مطالبه داشتند که پاسخ درخور بدهیم امام با ساخت موشک موافقت کردند اما اجازه حمله به شهرها را ندادند و ما به پادگان‌های دشمن حمله می‌کردیم. وی افزود: ما باید به وظیفه ملی خودمان [در مطالبه هسته‌ای شدن] عمل کنیم؛ اما امامی داریم که اگر ایشان به این جمع‌بندی رسیدند که سلاح هسته‌ای داشته باشیم به این مطالبه پاسخ می‌دهند اما اگر نرسیدند و پاسخ ندادند، ما می‌گوییم سمعا و طاعتا.

حمله به ایران با پاسخ «فوری، نامحدود و ویرانگر» مواجه خواهد شد

یک مقام ارشد امنیتی با توجه به ادامه تهدیدات نظامی دشمن، به پرس تی‌وی گفت: آمریکا و اسرائیل با هدف اعمال فشار روانی بر مردم ایران، مدام تهدیدهای خود را تکرار می‌کنند، اما باید بدانند که این تهدیدها هیچ تاثیری بر عزم ایران برای مقابله کوبنده با هرگونه تعرض نخواهد داشت. وی افزود: هر ضربه‌ای علیه ایران مجوزی برای پاسخ فوری، نامحدود و پشیمان‌کننده خواهد بود و ایران در دفاع از خود هیچ محدودیتی از حیث جغرافیایی، زمانی یا بانک اهداف قائل نخواهد بود. این مقام امنیتی تأکید کرد: ما مفهومی به نام حمله محدود یا کوتاه‌مدت را به رسمیت نمی‌شناسیم و پاسخ هر تجاوزی، نامحدود و فرامنطقه‌ای خواهد بود. به کشورهای منطقه نیز هشدار داده‌ایم که هرگونه همکاری با طرف‌های متجاوز، آنها را به هدف مشروع عملیات‌های دفاعی ایران تبدیل خواهد کرد. وی تصریح کرد: هر نوع ضربه به ایران به گسترش جنگ خواهد انجامید نه خاتمه آن و دیگر نقاط منطقه هم، روی آرامش را نخواهند دید.

موج حمایت‌ها از رویکرد جدید شعام؛ خلجی: امروز شاهد پیروزی استراتژی علی‌اصول رهبری هستیم
یوسفی: هشدار رهبر انقلاب درباره جریان تسلیم جدی است

علی‌الاصول؛ راهبردی که ورق را برگرداند

پس از موضع‌گیری قاطع سرلشکر رضایی در خصوص عبور ایران از تفاهم‌نامه اسلام آباد و عدم بازگشت به آن، راهبرد نیروی‌های مسلح در تنگه هرمز نسبت به زمان تفاهم‌نامه تغییر کرد. در همین راستا تغییرات ملموسی در قیمت انرژی و رفتار نیروهای مسلح در برخورد با کشتی‌های متخلف در تنگه هرمز شکل گرفت. تغییراتی که منتج به نتایجی ملموس و مسرت بخش برای جبهه مقاومت و ملت ایران شد. شکست انتخاباتی جنگ طلبان آمریکایی و گسترش اعتراضات سراسری نسبت به افزایش هزینه‌ها و گرانی‌های فزاینده در قاره سبز از جمله پیامدهایی بود که بعد از عبور ایران از تفاهم‌اسلام آباد شدت یافت. در حقیقت با بازگشت ایران به علی الاصول مورد تاکید رهبر انقلاب و چیدمان آرایش هجومی و دیپلماسی بدون شعارزدگی از سوی شعام و عملیات‌های قاطع نیروهای مسلح در تنگه هرمز، میتوان اذعان داشت با عملیاتی سازی راهبرد و رویکرد علی الاصول، دشمن در جنگ اراده‌ها و تاب آوری اقتصادی شکست خورد. موضوعی که بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان و تحلیلگران برجسته داخلی و بین‌المللی بدان اعتراف کردند.



اروپا هزینه حمایت از سیاست‌های آمریکا را می‌پردازد

یوسفی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تغییر مواضع برخی کشورهای اروپایی، از جمله آلمان، فرانسه و ایتالیا، در قبال تحولات منطقه‌ای اظهار کرد: کشورهای اروپایی امروز می‌توانند نتیجه سیاست‌هایی را که در حمایت از آمریکا و رژیم صهیونیستی در پیش گرفتند، مشاهده کنند. آن‌ها بادی کاشتند که اکنون طوفان آن را در خیابان‌های شهرهای خود و در قالب اعتراضات مردمی به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و بحران‌های اقتصادی تجربه می‌کنند. وی در پایان تصریح کرد: بسته شدن تنگه هرمز و افزایش قیمت سوخت، فشار اقتصادی قابل توجهی بر کشورهای اروپایی وارد کرده است. این کشورها علاوه بر افزایش هزینه‌های انرژی، با مشکلاتی همچون بحران مسکن نیز مواجه هستند؛ با این حال، پروپاگاندا و سانسور رسانه‌ای اجازه نمی‌دهد ابعاد واقعی این بحران‌ها به‌درستی منعکس شود.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

روز گذشته، سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در گفتگوی ویژه تلویزیونی «نبرد هرمز» به همین موضوع راهبردی پرداخت و مختصات «استراتژی علی الاصول» رهبر انقلاب در عرصه عمل را تبیین کرد.

خلجی گفت: «امروز شاهد پیروزی استراتژی علی اصول رهبری هستیم، یعنی عبور از وعده‌ها، تفاهم‌ها یا سوء تفاهم‌ها و ایستادگی بر شروط رهبری. شکست تحقیرآمیز ترامپ نتیجه استراتژی علی الاصول رهبر رشیدمان بود. ترامپ می خواست اسم خودش را بر تنگه هرمز بگذارد اما امروز ملت ایران به اتکاء استراتژی علی الاصول سنگ قبر ترامپ را در ورودی تنگه هرمز نصب کرد.» وی تصریح کرد: «به اتکاء استراتژی علی الاصول جمهوری اسلامی توانست هم معادلات قدرت در منطقه را بازآرایی کند و هم توانست معادلات قدرت در ساختار آمریکا را بازتعریف نماید. ما امروز توانستیم انتخابات آمریکا را مهندسی کنیم و ملتی که بتواند انتخابات آمریکا را مهندسی کند یقینا شایسته نام ابرقدرت است.»

استراتژی علی الاصول رهبری، نسخه ابرقدرتی آمریکا را در هم پیچید

سپهر خلجی افزود: «ملت ایران به اتکاء استراتژی علی الاصول رهبری توانست نسخه ابرقدرتی آمریکا را در هم بپیچد و تصویر واقعی از محدودیتهای قدرت آمریکا را به نمایش بگذارد. به مدد این استراتژی، ترامپ دچار مرگ سیاسی شد و حزب او در انتخابات آمریکا با شکست تحقیرآمیز مواجه شد. لذا امروز در حزب جمهوری به جای اینکه به فکر ادامه میراث ترامپ باشند به دنبال پاسخ این پرسش هستند که چگونه می توانند از گرفتاری ترامپ خلاص شوند.»

خلجی تاکید کرد: یکی از فرازهای مهم پیام ۱۳آبان رهبر انقلاب، تحقق استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر با نظریه بازدارندگی مطلق بود لذا بر اساس این دیدگاه کسی حق ندارد از جمهوری اسلامی ضعیف نمایی و یا مردم را ناامید کند. در این چارچوب هر مسئولی که مردم را ناامید کند صلاحیت مسئولیت را نخواهد داشت. وی ادامه داد: در فراز دیگر پیام علی الاصول رهبری توجه به آرامش و معیشت مردم و کار جهادی مورد تاکید است. یعنی هر تصمیمی که با ضربه به معیشت مردم همراه باشد خلاف استراتژی علی الاصول رهبری است. در این چارچوب کسانی که فکر می کنند با امتیاز دادن به دشمن می توانند خطر دشمنی آمریکا را از بین ببرند یقینا دچار اشتباه محاسباتی هستند، یعنی همان کسانی که می خواستند برای ترامپ پل پیروزی و یا پنجره فرار بسازند و یا متوهمانه فکر می کردند می توان با ترامپ معامله کرد.

این عضو هیات علمی دانشگاه در پایان تاکید کرد: یکی از فرازهای پیام علی الاصول ۱۳آبان رهبری توجه دادن به دستیابی به فتوحات در سایه توکل، مجاهدت و استقامت است. یعنی اگر کسانی فکر کنند که با مذاکره و امتیاز دادن به دشمن می توانند به نتیجه برسند اشتباه می کنند. هشدار ایشان برای کسانی که روحیه تسلیم‌آمیز در برابر دشمن دارند بسیار مهم بود و حاکی از وجود یک نگرانی جدی است که باید دستگاه‌های مسئول متوجه ابعاد این هشدار و جریان تسلیم باشند.

تجربه تاریخی نشان داده که هزینه مقاومت به‌مراتب کمتر از سازش است

مجتبی یوسفی، نماینده مردم اهواز و عضو سابق هیات رئیسه مجلس در گفتگو با نوبنیاد درباره پیروزی مقاومت و راهبرد علی الاصول رهبر انقلاب و تأثیر آن بر تحولات سیاسی آمریکا و اروپا اظهار کرد: تاریخ همواره نشان داده است که ملت‌ها در مواجهه با جبهه حق و باطل، دو مسیر پیش رو دارند؛ نخست، کوتاه آمدن، تسلیم شدن و سازش با دشمن و دوم، ایستادگی و مقاومت بر اساس چارچوبی منطقی و عقلانی.

وی افزود: تجربه تاریخی نشان داده است هر ملت و کشوری که زیر بار ذلت و سازش رفته، سرنوشتی جز تسلیم، حقارت، تضعیف و تجزیه نداشته است. نمونه آن را در جنگ‌های جهانی اول و دوم مشاهده کردیم؛ زمانی که ایران اعلام بی طرفی کرد، اما این موضع مانع اشغال کشور از سوی متفقین نشد. در جریان این جنگ‌ها، به‌ویژه در جنگ جهانی دوم، میلیون‌ها ایرانی بر اثر قحطی جان خود را از دست دادند. این تجربه تاریخی نشان می دهد هزینه مقاومت به‌مراتب کمتر از هزینه تسلیم و سازش است.

یوسفی افزود: باید به این واقعیت توجه کنیم که در یک سال گذشته، آمریکا و متحدانش در دو جنگ، در کنار ۴۷ سال تحریم، جنگ تحمیلی هشت ساله، کودتاها و فتنه‌ها، تلاش کردند ایران را از بین ببرند، تضعیف کنند و به تجزیه بکشانند. نباید اجازه دهیم برخی جریان‌های غرب‌گرا با بزک کردن چهره نظام سلطه و آمریکا، جنایت‌های این کشور را از حافظه تاریخی ملت ایران پاک کنند.

وی با اشاره به تحولات منطقه‌ای و نقش ایران در مدیریت تنگه هرمز و همکاری محور مقاومت افزود: دست برتر جمهوری اسلامی ایران در مدیریت تنگه هرمز، به عنوان شریان راهبردی انرژی جهان، و همچنین نقش‌آفرینی محور مقاومت و انصارالله یمن در باب‌المندب، از جمله مؤلفه‌هایی بود که معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد.

عضو سابق هیأت رئیسه مجلس با اشاره به افزایش قیمت نفت تا محدوده ۱۲۰ دلار اظهار کرد: افزایش قیمت انرژی و فشار ناشی از آن بر اقتصاد آمریکا، از جمله عواملی بود که در انتخابات اخیر این کشور نیز تأثیر گذاشت و به شکست ترامپ و جریان سیاسی حامی او منجر شد. البته باید توجه داشت که تغییر یک حزب سیاسی در آمریکا به معنای تغییر ماهیت سیاست‌های این کشور نیست؛ چراکه به تعبیر معروف، سگ زرد برادر شغال است.

یوسفی ادامه داد: تحولات اخیر نشان داد مقاومت در میدان و دیپلماسی مبتنی بر قدرت می‌تواند معادلات را تغییر دهد. همان‌طور که امام شهیدمان سال‌ها پیش از روزی سخن گفته بودند که آمریکایی‌ها ناچار شوند قدرت و اراده ملت ایران را تحمل کنند، امروز شاهد تحقق بخشی از این واقعیت هستیم.



رضایی: آتش‌بس در فروردین‌ماه امسال اشتباه بود



عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با اشاره به تفاهم اسلام‌آباد اظهار کرد: از همان ابتدا معتقد بودم این تفاهم در کنار برخی نقاط مثبت، اشکالاتی نیز دارد که مهم‌ترین آن‌ها ماده ۸ و تعهداتی است که در حوزه هسته‌ای پذیرفته شده بود. وی افزود: معتقدم دیگر نباید هیچ‌گونه تعهدی در حوزه هسته‌ای به دشمن بدهیم.

ما تمام هزینه‌های این مسیر را پرداخته‌ایم؛ بالاترین هزینه آن نیز جنگ و از دست دادن شهدایمان بوده است. در واقع، هزینه‌های هسته‌ای شدن را داده‌ایم و دیگر دلیلی برای دادن امتیاز در این زمینه وجود ندارد. وی تصریح کرد: معتقدم نباید در روزهای ۱۹ و ۲۰ فروردین آتش‌بس را می‌پذیرفتیم، بلکه باید به مسیر جنگ ادامه می‌دادیم؛ چراکه در آن مقطع دشمن متحمل خسارات بیشتری می‌شد، قیمت نفت نیز روزبه‌روز افزایش می‌یافت و پذیرش آتش‌بس در واقع به معنای برداشتن فشار از روی دشمن بود.

رضایی در بخش دیگری از سخنانش گفت: همین که قیمت نفت بالا می‌رود تعدادی از مسئولان دولتی ما نگران می‌شوند و با عجله به کمک ترامپ می‌آیند و حرف‌هایی می‌زنند که قیمت کاهش پیدا کند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصریح کرد: امروز تبادل پیام با آمریکا هیچ فایده‌ای برای کشور و سفره مردم ندارد و فقط قیمت نفت را کاهش می‌دهد و به ترامپ کمک می‌کند.

وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی در نوشتاری ناظر به انتخابات اخیر آمریکا و بر پایه عبرت‌های تاریخ، مبانی دشمن‌شناسی و منطق مقاومت مطرح کرد؛

هشدار به دیپلماسی

تاریخ معاصر ایران سرشار از عبرت‌هایی است که غفلت از آن‌ها می‌تواند استقلال، امنیت و آینده کشور را با مخاطراتی جدی روبه‌رو سازد. در یک قرن گذشته، ایران دو بار در جریان جنگ‌های جهانی، با وجود اعلام بی‌طرفی، هدف تجاوز و اشغال قدرت‌های خارجی قرار گرفت؛ تجربه‌هایی که نشان داد بی‌طرفی بدون اقتدار و استقلال بدون قدرت دفاعی، تضمینی برای امنیت ملی نیست.

محمدمهدی اسماعیلی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت شهید رئیسی



در جنگ جهانی اول، با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای بیگانه بخش‌های گسترده‌ای از کشور را به میدان رقابت و درگیری تبدیل کردند. قحطی، بیماری و فروپاشی اقتصادی، خسارات انسانی عظیمی برجای گذاشت؛ بنا بر برخی روایت‌های تاریخی، جمعیت ۱۹ میلیونی ایران به حدود ۱۰ میلیون نفر کاهش یافت.

در جنگ جهانی دوم نیز ارتش متفقین در شهریور ۱۳۲۰ وارد ایران شد و ارتش رضاشاه، با وجود تبلیغات گسترده درباره اقتدار نظامی، نتوانست مقاومت مؤثری در برابر اشغال کشور سازمان دهد. رضاشاه ناچار به کناره‌گیری و خروج تحقیرآمیز از ایران شد و سرانجام در تبعید در آفریقای جنوبی درگذشت. ایران بار دیگر هزینه ضعف ساختاری و وابستگی سیاسی را پرداخت.

اما انقلاب اسلامی معادله تاریخی دیگری را رقم زد. نهضت اسلامی ایران، مبتنی بر عقلانیت تاریخی و در پرتو معارف و محبت اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، با پرچم‌داری فقیهی اصولی، فیلسوفی حکیم و رهبری شجاع، در مهرماه ۱۳۴۱ آغاز شد و استقلال، عزت ملی و مقاومت در برابر سلطه خارجی را به مؤلفه‌های اصلی هویت سیاسی ایران تبدیل کرد. این مسیر با رهبری امام خمینی(ره) و سپس ۳۷ سال رهبری امام شهید انقلاب اسلامی تداوم یافت و ایران را، با وجود همه دشواری‌ها و هزینه‌های سنگین، به افق‌های تازه‌ای از اقتدار و قدرت رساند.

تجربه جنگ‌های اخیر نیز یک حقیقت راهبردی را برجسته ساخته است: بازدارندگی زمانی مؤثر خواهد بود که دشمن بداند هزینه تجاوز به ایران، نه محدود و قابل پیش‌بینی، بلکه سنگین و خارج از محاسبات پیشین اوست. ازاین‌رو، اقتدار ملی صرفاً در تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به ابتکار راهبردی، انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی، پشتیبانی مردمی و توان تغییر محاسبات طرف مقابل وابسته است. تحولات تنگه هرمز و آثار بحران منطقه بر بازار جهانی انرژی نیز اهمیت ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران را آشکار ساخته است؛ ظرفیت‌هایی که باید در خدمت بازدارندگی مؤثر و تأمین منافع ملی قرار گیرند.

در چنین شرایطی، بازگشت به مذاکرات هسته‌ای بدون عبرت‌آموزی از تجربه‌های گذشته و تضمین‌های معتبر، می‌تواند زمینه تکرار خطاهای پرهزینه را فراهم آورد. مذاکره نباید جایگزین قدرت شود و دیپلماسی نباید فرصتی برای غافلگیری راهبردی کشور فراهم سازد. معیار هر تصمیم باید تأمین امنیت، عزت و منافع واقعی ملت ایران باشد، نه صرفاً کاهش موقت تهدیدها و فراهم‌ساختن فرصتی دوباره برای تجدید قوا، تجهیز بیشتر و طراحی خدعه‌ها و تجاوزهای خطرناک‌تر از سوی دشمن.

در همین چارچوب، پیام رهبر جوان و حکیم انقلاب اسلامی در سالروز حماسه ۱۳ آبان در هفته گذشته، باید آویزه گوش همه مسئولان و جریان‌های سیاسی کشور باشد. اهمیت این پیام در پیوند با تجربه‌های تاریخی و ضرورت جلوگیری از تکرار اشتباهات راهبردی آشکار می‌شود. سیاسیونی که پیش‌تر به دلیل ضعف در فهم دقیق و التزام عملی به رهنمودهای امام شهید انقلاب، در تشخیص ماهیت تهدیدها و محاسبه رفتار دشمن دچار خطا شدند، «علی‌الاصول» حق ندارند همان غفلت تاریخی را در قبال رهنمودهای رهبری جدید انقلاب تکرار کنند.

یکی از مصادیق این غفلت، تصور تغییر بنیادین رفتار آمریکا با جابه‌جایی قدرت میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان است. تجربه نشان داده است که به‌رغم تفاوت در ادبیات و شیوه‌های سیاسی این دو حزب، بسیاری از جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران استمرار داشته است. بنابراین، هیچ جریان سیاسی نباید با ذوق‌زدگی از پیروزی احتمالی دموکرات‌ها، بار دیگر اصرار بر مذاکره را بدون توجه به تجربه‌های گذشته، الزامات بازدارندگی و تضمین‌های معتبر، در دستور کار کشور قرار دهد.

مسئله اصلی، مخالفت با اصل دیپلماسی نیست؛ بلکه پرهیز از خوش‌بینی بی‌پشتوانه‌ای است که تغییر تاکتیک‌های دو حزب آمریکایی را با تغییر واقعی سیاست‌های آنان اشتباه می‌گیرد. در چنین شرایطی، به این ضرب‌المثل اصیل و دشمن‌شناسانه ایرانی توجه کنید: «سگ زرد برادر شغال است».

عبرت بزرگ تاریخ روشن است: نه اعتماد بی‌پشتوانه به قدرت‌های خارجی امنیت می‌آفریند و نه مقاومت بدون تدبیر به پیروزی پایدار می‌انجامد. وفاداری به رهنمودهای رهبری، عبرت‌آموزی از گذشته و تقدم منافع ملی اقتضا می‌کند که هیچ تصمیم راهبردی بر پایه هیجان سیاسی و وعده‌های اثبات‌نشده اتخاذ نشود. آینده ایران در پیوند مقاومت هوشمندانه، اقتدار بازدارنده، انسجام اجتماعی و صیانت بی‌چون‌وچرا از استقلال، عزت و امنیت ملت رقم خواهد خورد.

خبر کوتاه

جزئیات تولید موشک و پهپاد در زیر زمین

روز گذشته سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه دستاورد نیروی هوافضا باعث ایجاد قابلیت انعطاف‌پذیر برای استمرار تولید موشک و پهپاد در زمان جنگ و زیر بمباران دشمن شد، اظهار کرد: با این قابلیت توانستیم به سرعت تولید موشک و پهپاد را از سطح به زیر زمین منتقل کنیم. همان‌گونه که پیش‌تر شهرهای موشکی را برای ذخیره‌سازی و آماده نگه داشتن موشک‌ها داشتیم، توانستیم شهر تولید موشک را نیز در زیر زمین ایجاد کنیم. وی تصریح کرد: دشمن با خیال خام خود، موشک‌های ما را می‌شمرد و محاسبه می‌کرد که هوافضای سپاه چند موشک دارد، چه تعداد شلیک کرده، چه تعداد باقی مانده و چه زمانی ذخایر آن تمام می‌شود؛ اما نمی‌دانست قابلیتی بسیار منعطف طراحی کرده‌ایم که می‌توانیم تولیدات را به زیر زمین منتقل کنیم و با آرامش به تولید ادامه دهیم.

عزیزی: اجازه نمی‌دهیم ترامپ بی‌هزینه و غرامت از منطقه فرار کند

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی طی پیامی در صفحه شخصی خود در شبکه مجازی ایکس خطاب به دشمنان کشورمان، نوشت: اجازه نمی دهیم ترامپ بی هزینه و غرامت از منطقه فرار کند. پاسخ ما به هر خطا، ضربه ای کاری است تا بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا یعنی رژیم صهیونیستی را یکبار برای همیشه آزاد کنیم.

حریق یک نفتکش متخلف دیگر در شرق تنگه هرمز

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی ارتش اعلام کرد: صبح امروز، یک نفت‌کش متخلف در شرق تنگه هرمز که بدون توجه هشدارهای همیشگی در محدوده ممنوعه و ناامن تردد می کرد و سامانه های ناوبری خود را نیز خاموش کرده بود، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار آتش‌سوزی شد و از حرکت بازماند. نیروی دریایی ارتش بار دیگر هشدار داد که این سرنوشت همه کشتی ها و شناورهای متخلفی است که به هشدارها توجه نکرده و در مناطق ممنوعه تردد کنند.

حکم اعدام عنصر گروهک تروریستی جیش‌الظلم اجرا شد

روز گذشته، قوه قضاییه، حکم اعدام محمد عارف شه‌بخش فرزند محمداکبر، از عناصر مرتبط با گروهک تروریستی جیش‌الظلم که به اتهام بغی و محاربه از طریق حمله مسلحانه به پاسگاه انتظامی قلعه‌بید شهرستان خاش، منتهی به شهادت و مجروحیت پرسنل انتظامی شده بود، پس از طی مراحل قانونی صبح روز گذشته اجرا شد.

ظهره‌وند: مذاکره برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی سوژه عملیات است!

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: آمریکا در مذاکره دنبال جمع‌آوری اطلاعات هستند و سر میز مذاکره، سوژه عملیات را شناسایی می‌کنند. مذاکره خیانت به امنیت ملی است؛ و پاسخ ما به قطری‌ها دادیم این بود که اول محاصره دریایی را بردارید، بعد برای مذاکره بیایید.

ترور و شهادت مولوی محمد یوسف قاضی در فنوج

روز گذشته، مولوی محمد یوسف شمس‌الحق قاضی، از معتمدان و چهره های صلح جوی منطقه، سرطایفه قاضی و فرمانده قرارگاه دسته رزمی محترم آباد، در مسیر روستای گز مهراب‌خان توسط عوامل گروهک تروریستی ترور و به شهادت رسید.

گرانی پول در میانه تورم سنگین با جهش نرخ بهره بین بانکی



بانک مرکزی پس از حدود ۱۰ هفته تثبیت، نرخ سود بین‌بانکی را با جهشی ۹.۹۲ واحد درصدی، از محدوده ۲۴ درصد به ۳۳.۹۲ درصد افزایش داد. هم‌زمان، نرخ‌های کریدور سیاست پولی نیز افزایش یافتند؛ به‌طوری‌که حداقل نرخ توافق بازخرید از ۲۳ به ۳۲ درصد و نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند از ۲۴ به ۳۴ درصد رسید. این تغییرات نشان می‌دهد بانک مرکزی به دنبال تغییر جدی در شرایط بازار پول و افزایش هزینه تأمین منابع مالی است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که تورم با آغاز به کار دولت چهاردهم جهش داشته، به طوری که نرخ تورم سالانه مهرماه امسال به ۷۶.۸ درصد رسیده است. در چنین شرایطی، برخی معتقدند نرخ‌های سود بانکی در محدوده ۲۳ درصد، تناسبی با تورم ندارند. وحید ماجد، معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی، ۲۷ خرداد امسال از برنامه این بانک برای بازبینی ساختار نرخ سود و اصلاح نظام تأمین مالی متناسب با ریسک اعتباری بخش‌های مختلف اقتصاد خبر داده بود. اکنون به نظر می‌رسد سیاست‌گذار پولی وارد مرحله عملیاتی‌تری از این بازنگری شده است. کارشناسان می‌گویند بانک مرکزی افزایش نرخ سود را در چارچوب سیاست انقباضی و با هدف مهار تورم دنبال می‌کند. منطق این سیاست آن است که با افزایش هزینه دسترسی بانک‌ها به منابع، رشد اعتبارات و تقاضای پول محدود شود و از فشارهای تورمی کاسته شود. حسین صمصامی، اقتصاددان و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با بیان اینکه در شرایط کنونی، ریشه تورم و گرانی در اقتصاد ایران، ارز است نه رشد نقدینگی، می‌گوید: «در بازه ۱۰ ماهه اخیر، قیمت اغلب کالاها به همراه نرخ ارز دو برابر شدند، اما نقدینگی تنها ۴۰ درصد رشد یافته است.»

افزایش نرخ سود می‌تواند پیامدهای متفاوتی برای اقتصاد داشته باشد. از یک سو، احتمال افزایش جذابیت سپرده‌گذاری در بانک‌ها وجود دارد. در چنین شرایطی، هزینه تأمین منابع کوتاه‌مدت بانک‌ها افزایش می‌یابد و امکان اثرگذاری بر سایر نرخ‌های سود نیز وجود دارد. اما از سوی دیگر، افزایش هزینه تأمین مالی فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی وارد می‌کند و با افزایش هزینه تولید، بر تشدید تورم اثرگذار می‌گذارد. پرسش اساسی این است که آیا افزایش نرخ سود به‌تنهایی می‌تواند تورم ناشی از رشد نقدینگی، افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی را مهار کند یا آنکه بدون اصلاح ناترازی بانک‌ها، انضباط مالی دولت و بازنگری در سیاست‌های ارزی، نتیجه‌ای جز گران‌تر شدن پول و دشوارتر شدن تأمین مالی تولید نخواهد داشت؟

موج خبر

بانک مرکزی چین در ۱۰ ماه اخیر ۱۲۹ تن طلا خرید

بانک مرکزی چین در ماه اکتبر (مهر) و هم‌زمان با افت شدید بهای طلا، ۸۳۰ هزار اونس (۲۵.۸ تن) به ذخایر طلای خود افزود؛ به این ترتیب، روند خرید مداوم این فلزگران‌بها از سوی این نهاد پولی وارد بیست‌وچهارمین ماه متوالی شد و مجموع خرید طلای آن در ۱۰ ماه نخست سال جاری میلادی به حدود ۱۲۹ تن رسید. این اقدام در شرایطی رقم خورد که قیمت طلا در این ماه نزدیک به ۷ درصد کاهش یافت و در پایان اکتبر به زیر سطح حمایتی ۴ هزار دلار به‌ازای هر اونس سقوط کرد. بانک مرکزی به‌ویژه در ماه‌های اخیر و هم‌زمان با افت قیمت طلا، سرعت خریدهای خود را افزایش داده است؛ روندی که در نتیجه آن، مجموع افزایش ذخایر طلا در ۱۰ ماه نخست سال جاری میلادی به حدود ۱۲۹ تن می‌رسد.

داده‌های شورای جهانی طلا نشان می‌دهد بانک مرکزی چین در سه‌ماهه سوم سال، در میان بانک‌های مرکزی که آمار رسمی خود را گزارش می‌کنند، بزرگ‌ترین خریدار طلا در جهان بوده است. براساس آمار این شورا، مجموع خرید خالص طلا از سوی بخش رسمی در فاصله ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر به ۳۲۱ تن رسید؛ رقمی که از سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۴ تاکنون بی‌سابقه بوده است. تداوم روند انباشت طلا، در بازاری که در مجموع رونق چندانی ندارد، همچنان از عوامل اصلی حمایت از بهای این فلزگران‌بها به شمار می‌رود. قیمت طلا در ماه گذشته به پایین‌ترین سطح خود در یک سال اخیر رسید و بزرگ‌ترین افت ماه اکتبر را از زمان بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ ثبت کرد. با این حال، بهای این فلز پس از برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در هفته جاری بار دیگر افزایش یافته است؛ هرچند در مقایسه با آغاز جنگ در اواخر فوریه، همچنان کاهشی بیش از ۲۰ درصدی (یک‌پنجم) را نشان می‌دهد.

افزایش بهای انرژی به تشدید تورم و اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی منجر شده است؛ شرایطی که معمولاً به زیان طلا و دیگر دارایی‌های بدون بازده تمام می‌شود، چراکه افزایش نرخ‌های بهره، «هزینه فرصت» نگهداری این گونه دارایی‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، سیاست‌های بانک مرکزی چین بر الگوی رفتاری خانوارهای این کشور نیز اثرگذار است. بسیاری از شهروندان چینی در ماه اکتبر و در محدوده قیمتی ۴ هزار دلار برای هر اونس اقدام به خرید طلا کردند؛ زیرا بر این باور بودند که تداوم خریدهای بانک مرکزی چین، در بلندمدت مانع از افت بیشتر قیمت این فلز شده و از آن حمایت خواهد کرد.

درگفت‌وگو با نوبنیاد مطرح شد؛

ضربان نامنظم کالابرگ

عضو هیئت‌رئیسه مجلس می‌گوید: دولت با نوعی آشفتگی در اجرای طرح کالابرگ همراه است و هنوز مشخص نیست برچه مبنایی خانوارها را از فهرست مشمولان حذف می‌کند. حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس اقتصادی نیز با تأکید بر اینکه دولت از هدف اولیه این طرح فاصله گرفته، تایکد کرد: قرار بر این بود که با افزایش نرخ ارز و تورم، اعتبار کالابرگ هم افزایش پیدا کند، اما اکنون شاخص‌های حذف مشمولان نه شفاف است و نه با واقعیت‌های معیشتی مردم تناسب دارد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

تازه‌ترین اقدام دولت چهاردهم برای بازنگری در فهرست مشمولان کالابرگ، این طرح را با حاشیه‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. هم‌زمان با افزایش اعتبار کالابرگ برای برخی خانوارها، گروهی دیگر از دریافت این حمایت حذف شده‌اند؛ تصمیمی که اعتراض خانوارها را به دنبال داشته است. براساس اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعتبار کالابرگ آبان‌ماه از ۱۵ آبان برای خانوارهایی که رقم پایانی کد ملی سرپرست آن‌ها صفر، یک یا دو است، شارژ شد. اما هم‌زمان، کالابرگ تعدادی از خانوارها نیز حذف شد. این اتفاق در حالی رخ داد که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، گفته بود واجدان شرایط همچنان مورد حمایت قرار می‌گیرند. یعقوب اندایش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در توضیح این تصمیم از تصویب معیارهای جدید برای استطاعت‌سنجی خانوارها خبر داد و گفت: دولت تصمیم گرفت برای افزایش مبلغ کالابرگ و همچنین تعیین افرادی که مشمول تداوم دریافت آن می‌شوند، از شاخص‌های عینی استفاده کند؛ شاخص‌هایی که افراد بتوانند براساس آن‌ها وضعیت خود را ارزیابی کنند. او درباره سقف درآمدی مشمولان بیان کرد: برای خانوارهای یک تا سه نفره، درآمد کمتر از ۲۰ میلیون تومان، برای خانوار چهارنفره درآمد کمتر از ۲۷ میلیون تومان و به ازای هر نفر اضافه، ۷ میلیون تومان به این سقف افزوده می‌شود. اندایش همچنین از بررسی تعداد و ارزش خودرو و ملک متناسب با تعداد اعضای خانوار خبر داد و تأکید کرد: خانوارهایی که با معیارهای جدید واجد شرایط شناخته نشوند، از تداوم دریافت کالابرگ حذف خواهند شد. برای مثال، اگر خانواری سه‌نفره باشد و سه خودرو یا سه ملک داشته باشد، مشمول دریافت کالابرگ نخواهد شد. در آبان‌ماه و در مرحله نخست اجرای این اصلاحات، تعدادی از خانوارها اعتبار کالابرگ دریافت نکردند. این افراد می‌توانند پس از اطمینان از وضعیت موجودی کالابرگ، درخواست بررسی مجدد خود را از طریق سامانه حمایت ثبت کنند.

آشفتگی دولت ماجرای کالابرگ

علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در گفت‌وگو با نوبنیاد، با انتقاد از نحوه شناسایی و حذف برخی خانوارها از فهرست مشمولان کالابرگ گفت: دولت در اعلام شاخص‌های مربوط به حذف یا اضافه کردن مشمولان، شفافیت و دقت لازم را نداشته است. وی افزود: نکته دوم این است که فاصله میان دهک‌های درآمدی بسیار ناچیز است. گاهی درآمد یک خانوار تنها ۵۰۰ هزار تومان یا یک میلیون تومان با خانواری در دهک دیگر تفاوت دارد. ابتدا باید پرسید آیا دهک‌بندی‌ها به اندازه کافی دقیق هستند؟ علاوه بر این، فاصله درآمدی میان دهک‌ها باید معنادار باشد. نمی‌توان صرفاً بر اساس تفاوت‌های جزئی درآمدی، خانوارها را در گروه‌های بالاتر قرار داد و درباره برخورداری یا عدم برخورداری آن‌ها از حمایت‌های دولتی تصمیم گرفت. سلیمی با انتقاد از اظهارات و مواضع متفاوت دولت درباره کالابرگ گفت: دولت در ابتدا اعلام کرد که کالابرگ حقوق شهروندی است و یارانه نیست، اما اکنون می‌خواهد کالابرگ برخی خانوارها را حذف کند. به عبارتی، دولت با نوعی آشفتگی همراه است. بالاخره دولت می‌خواهد چه کاری انجام دهد؟ این نماینده مجلس گفت: نباید نام این پرداخت (کالابرگ) را یارانه بگذاریم. موضوع در واقع ما به‌التفاوت قیمت ارز ترجیحی است که قرار بود به همه مردم ایران پرداخت شود. اگر واقعاً هدف دولت همین است، چرا از ابتدا این موضوع را به‌صورت شفاف و سریع به مردم اعلام نکرد؟ چرا دولت دوباره شاخص‌هایی را مطرح می‌کند که موجب ابهام شده است؟ این همان آشفتگی در اظهارات دولتمردان است که امروز ما را با وضعیتی عجیب و غیرشفاف در این زمینه مواجه کرده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصریح کرد: نکته بعدی شاخص‌هاست. واقعاً نمی‌دانم این شاخص‌ها بر چه اساسی تعیین شده‌اند. آیا کسی که درآمدی در حدود ۲۰ میلیون تومان دارد، واقعاً از نظر معیشتی بی‌نیاز است و به این حمایت احتیاجی ندارد؟ آیا دولت می‌داند قیمت هر کیلو گوشت، مرغ و روغن چقدر است؟ آیا از شرایط معیشتی خانوارها اطلاع دارد؟ اینکه دولت درآمد ۲۰ میلیون تومان یا ۲۷ میلیون تومان را مبنای تصمیم‌گیری قرار داده، واقعاً جای سؤال دارد. کسی که قسط بانکی دارد، هزینه حمل‌ونقل شهری پرداخت می‌کند و باید اجاره مسکن هم بپردازد، بر چه اساسی در گروه افراد بی‌نیاز قرار می‌گیرد؟ سلیمی تأکید کرد: از طرف دیگر، دولت این موضوع را به سازمان برنامه و بودجه ارجاع داده تا نمایندگان نتوانند درباره آن سؤال کنند و امکان نظارت بر آن نیز محدود شود. این مسائل به هر حال موجب نگرانی شده است. امیدوارم مسئولان با بررسی بیشتر شرایط، تصمیمات خود را اتخاذ کنند تا مردم با نگرانی و ابهام بیشتری در زمینه دریافت کالابرگ مواجه نشوند.

هدف حمایتی طرح را زیر سؤال برد

حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس اقتصادی، نیز با انتقاد از نحوه اجرای طرح کالابرگ و تصمیم دولت برای حذف برخی از مشمولان این طرح، به نوبنیاد گفت: هدف اولیه از تخصیص کالابرگ، فراهم کردن دسترسی آسان و ارزان مردم به کالاهای اساسی در شرایط افزایش قیمت‌ها و تورم بود، اما متأسفانه دولت در میانه اجرای این طرح، از ابتدای سال جاری دچار تغییر رویکرد شد. وی افزود: تخصیص کالابرگ با یارانه نقدی تفاوت دارد. علت این تفاوت آن بود که با توجه به گرانی‌ها و تورمی که اتفاق افتاده بود، دولت تصمیم گرفت مردم دسترسی راحت‌تر، آسان‌تر و ارزان‌تری به کالاهای اساسی داشته باشند. قرار بر این بود که با افزایش نرخ ارز و تورم، اعتبار کالابرگ هم افزایش پیدا کند. این کارشناس اقتصادی بیان کرد: از طرف دیگر، شرایط خاص کشور ایجاب می‌کند که این حمایت‌ها انجام شود، اما متأسفانه دولت به این برداشت و تعهد عمل نکرد و همین مسئله موجب نارضایتی مردم شده است. در کنار این موضوع، شاخص‌هایی که برای حذف و افزایش اعتبار اعلام می‌شود، به هیچ‌وجه شفاف و قانع‌کننده نیست. اقدامات دولت نیز باعث شده است شاهد باشیم افرادی که مستحق دریافت کالابرگ هستند، حذف شوند.

حاج‌اسماعیلی ادامه داد: تا زمانی که دولت شاخص‌ها را به‌طور دقیق و شفاف اعلام نکند و اقدامات خود را به درستی برای مردم توضیح ندهد، این ایرادات همچنان وجود خواهد داشت. در حال حاضر، افرادی که مستحق حمایت بوده‌اند، از افزایش اعتبار برخوردار نشده‌اند و از سوی دیگر، شاهد حذف بسیاری از افرادی هستیم که واقعاً مستحق دریافت کالابرگ هستند. حتی براساس شاخص‌هایی که خود دولت اعلام می‌کند، این افراد نباید از فهرست مشمولان حذف شوند. این وضعیت نشان می‌دهد دولت در زمینه حمایت از طریق کالابرگ دچار سردرگمی است و به هیچ‌وجه نتوانسته مردم را قانع کند که در اجرای این طرح، مطابق رویه‌های قانونی عمل می‌کند. او در پاسخ به پرسشی درباره حذف برخی مشمولان بدون اطلاع‌رسانی قبلی اظهار کرد: اینکه دولت به‌صورت ناگهانی این اقدام را انجام می‌دهد، آن هم در شرایط خاصی که گرانی‌ها و فشارهای اقتصادی وجود دارد، به هیچ‌وجه برای مردم قانع‌کننده نیست. از ابتدای سال نیز شاهد بوده‌ایم که اکثریت افرادی که در حوزه کالابرگ مشمول و مستحق دریافت حمایت هستند، از روند فعالیت دولت برای تخصیص کالابرگ رضایت ندارند؛ چراکه این وضعیت هم برای آن‌ها نگرانی ایجاد می‌کند، هم دولت در اضافه کردن افراد مستحق به فهرست مشمولان عملکرد مناسبی ندارد و هم در حذف و اضافه‌ها معمولاً بر اساس شاخص‌های قانونی عمل نکرده است.

حاج‌اسماعیلی در واکنش به این موضوع که شاخص‌های اعلام‌شده دولت با واقعیت‌های اقتصادی و معیشتی مردم تفاوت دارد، تصریح کرد: کاملاً متفاوت است. در حال حاضر، برای ما مشخص نیست دولت دقیقاً چه ملاک یا مبنای حقوقی و اقتصادی را برای تخصیص کالابرگ در نظر گرفته و براساس چه معیارهایی افراد را حذف می‌کند. دولت هنوز این موارد را به‌صورت شفاف اعلام نکرده است. اینکه دولت اعلام کند داشتن ملک یا خودرو ملاک حذف افراد است، معیار درستی نیست. به هر حال، ممکن است بخشی از مردم مسکن داشته باشند، اما به‌شدت مستحق دریافت کالابرگ باشند؛ بنابراین، صرف داشتن مسکن نمی‌تواند ملاک مناسبی برای حذف آن‌ها باشد. وی بر ضرورت شفاف‌سازی معیارهای شناسایی مشمولان و اصلاح روند اجرای طرح کالابرگ تأکید کرد.

فرصت‌سوزی در اتصال به شبکه بانکی چین تا تعلل در اجرای توافق گازی با روسیه نشان می‌دهد

تحریم‌زدایی با شرقی‌ها معطل دولت پزشکیان

در شرایطی که جهان با شتاب در حال عبور از نظم تک‌قطبی و شکل‌گیری معادلات جدید قدرت است، ایران برای تثبیت جایگاه خود در نظم آینده، بیش از هر زمان دیگری به توسعه روابط راهبردی با قدرت‌های نوظهور نیاز دارد. با این حال، تداوم برخی نگاه‌های غرب‌محور در سیاست خارجی، فرصت‌های گسترده همکاری اقتصادی با چین و روسیه را با موانع جدی مواجه کرده و این نگرانی را به وجود آورده است که کشور، بار دیگر از تحولات بزرگ جهانی عقب بماند.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

جهان مدت‌هاست که در حالت آماده‌باش برای عبور از نظم تک‌قطبی‌ای قرار دارد که پس از سقوط بلوک شرق بر جهان حاکم شده بود. کارشناسان و تحلیلگران از ظهور قدرت‌های منطقه‌ای و تأثیر پیمان‌ها و معاهده‌های چندجانبه جهانی بدون حضور امریکا سخن می‌گویند. از طرفی، رشد دهه‌های اخیر چین حتی در آمار و ارقام هم در حال بلعیدن انحصار بلندمدت امریکاست. پیمان‌های اقتصادی همچون «بریکس»، با حضور قدرت‌های نوظهور اقتصادی، معادلات جدیدی را ایجاد می‌کنند. پیمان‌های امنیتی مثل «شانگهای» هم با محوریت چین در حال عبور از دوران امپراتوری ایالات متحده و سرویس‌های امنیتی آن بر جهان هستند. در چنین شرایط حساسی که نظم جهانی در حال تغییر است، کشور ما با گروهی از سیاستمداران مواجه است که فکر و ذهنشان در دهه‌های قبل متوقف شده، چشم‌هایشان را بر تمامی تغییرات جهان بسته‌اند و هنوز در نظم تک‌قطبی جهان سیر می‌کنند؛ کسانی که همچنان وابستگی به غرب و ایالات متحده را تنها راه رسیدن به توسعه می‌دانند. چنین نگاه فرسوده‌ای سبب فرصت‌سوزی‌های جدی شده و در صورت غفلت، می‌تواند جایگاه ایران اسلامی را در نظم آینده جهان به خطر بیندازد.

چین؛ فرصتی که نباید دوباره از دست برود

چین پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ به یک قدرت کاملاً اثرگذار در اقتصاد جهان و بزرگ‌ترین رقیب امریکا تبدیل شد. امروز جایگاه و سهم چین در بیشتر کشورهای دنیا بالاتر از ایالات متحده است و این کشور به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان شناخته می‌شود. از طرفی، روابط جهانی اثبات می‌کند که چین برای ادامه روند خود و عبور کامل از امریکا، نیاز دارد که روابط خوبی با کشورهای دارای منابع و ظرفیت‌های انرژی و معدنی، از جمله ایران، برقرار کند. از سوی دیگر، اقتصاد ایران در شرایط تحریم باید از ظرفیت پیمان‌های چندجانبه‌ای که غالباً با محوریت چین تشکیل شده‌اند، از جمله بریکس و شانگهای استفاده کند. نیاز متقابل دو کشور و البته سابقه چین در یاری‌رسانی به کشور، چه در شرایط تحریم و برای دور زدن تحریم‌ها و چه در وتو کردن طرح‌های ضدایرانی در مجامع بین‌المللی، نشان می‌دهد که اقتصاد ما با تعریف روابط متقابل و منافع مشترک با «اژدهای سرخ»، می‌تواند از سختی‌ها و چالش‌های پیش‌رو عبور کند و در مسیر توسعه، هرچه سریع‌تر قدم بردارد. اما همان گروهی که هنوز غرب را قبله آمال خود می‌داند، علیه منافع ملی کشور، راه تعامل با این کشور را مسدود نگه داشته است.

خاطره سفر «شی جین‌پینگ» و هیئت رده‌بالای چینی پس از برجام، یادآور یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی‌های کشور بوده است؛ زمانی که طرف چینی با هیئتی بلندپایه و با پیشنهادهای اقتصادی بزرگ به تهران آمد، اما دولت حسن روحانی که از تفکر ذکرشده برخوردار بود، در مسیر تعامل با طرف چینی همراه نشد و فرصت تاریخی را برای جذب ظرفیت‌های ویژه اقتصادی از دست داد. به گفته برخی کارشناسان روابط بین‌الملل، پس از حدود ۱۰ سال، چینی‌ها به دلیل برخورد صورت‌گرفته از سوی ایران، کماکان نسبت به تعامل گسترده با کشورمان بدبین هستند.

مدتی پیش، در حاشیه اجلاس شانگهای، دیداری بین شی جین‌پینگ و مسعود پزشکیان اتفاق افتاد، اما نه به‌صورت رسمی، بلکه در حالتی سرپایی. محسن کریمی، معاون سابق بین‌الملل بانک مرکزی در مورد این دیدار، می‌گوید: «چینی‌ها معتقدند پیش از دیدار مقامات ارشد، موضوعات باید در سطوح کارشناسی به‌طور کامل بررسی بشود؛ اما آیا اصلاً کارشناسان ایران در سطوح پایین و میانی با چینی‌ها صحبتی داشته‌اند که توقع داشته باشیم وقت ملاقات به مقام ارشد ما بدهند؟» به نظر می‌رسد بعد از دوران ریاست‌جمهوری شهید آیت‌الله رئیسی که نگاه متفاوتی در سیاست خارجی ما حاکم شده بود و کشور علاوه بر عضویت در پیمان بریکس و شانگهای، روابط خوبی با چین و روسیه شکل داده بود، با استقرار دولت چهاردهم، تفکر فرسوده قبلی در عرصه سیاست‌گذاری بازگشته است.

کریمی در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: «۱۵ سال پیش چین برای عضو کردن کشورها در شبکه پرداخت رسمی خود (CIPS) فرش قرمز پهن می‌کرد، اما ما آن فرصت را با بلاتکلیفی بانک مرکزی از دست دادیم، در حالی که به خاطر درگیری با تحریم باید به این شبکه متصل می‌شدیم.»

از تفاهم گازی تا فرصت‌های معطل‌مانده در راه تهران ـ مسکو

شریک دیگر کشور که منافع بسیاری در تجارت و تعامل با کشور ما دارد، روسیه است. از زمان شروع جنگ با اوکراین، روس‌ها با تحریم‌های شدید غرب مواجه بوده‌اند. بدین سبب، هم‌افزایی ایران و روسیه و پیوند شبکه‌های دور زدن تحریم‌های این دو کشور با یکدیگر می‌تواند فرصت‌های جدیدی را پیش روی اقتصاد هر دو کشور قرار دهد. ولادیمیر پوتین و دولت روسیه بارها و بارها به روابط تنگاتنگ خود با ایران اشاره کرده‌اند و در برهه‌های مختلف نشان داده‌اند که ایران را به عنوان شریک استراتژیک خود قبول دارند، اما در این شرایط، به دلیل تفکر حاکم بر سیاست خارجی کشورمان، از فرصت‌های ویژه تعاملات اقتصادی با روس‌ها استفاده مناسب و درستی صورت نگرفته است.

برای مثال، در مورد انتقال گاز از روسیه به کشور که صحبت‌های پیرامون آن از مدت‌ها پیش صورت پذیرفته است، شاهد انفعال جدی و عدم پیشرفت هستیم و با وجود سفرهای متناوب و تفاهم انتقال گاز که می‌تواند کمک ویژه‌ای به شبکه تأمین گاز کشور کند، این طرح هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. بعد از سفر مهم اخیر، سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز گفت: «انتقال گاز روسیه به ایران، راهکار رفع کمبود گاز کشور و صادرات به کشورهای همسایه است.»

ضرورت تبدیل تفاهم‌های سیاسی به همکاری اقتصادی

عفیفه عابدی، کارشناس مسائل روسیه در گفت‌وگو با «نوبنیاد» در مورد تعاملات گازی ایران با روسیه، اظهار داشت: «همکاری گازی ایران و روسیه صرفاً یک قرارداد خرید و فروش گاز نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد بلندمدت برای ارتقای همکاری‌های دو کشور در حوزه‌ای است که قبلاً به عنوان چالش در روابط تهران و مسکو یاد می‌شد. تحقق این همکاری می‌تواند نقش هر دو کشور را در بازارهای انرژی منطقه و جهان افزایش دهد. او افزود: البته این پروژه با موانع گوناگونی روبه‌روست و در این مسیر، علاوه بر درگیری دو کشور در بحران‌های مناطق همجوار، موضوعاتی مانند ارزیابی ظرفیت انتقال، مسیرهای احتمالی، قیمت‌گذاری، سازوکارهای مالی، تعهدات طرفین و زیرساخت‌های مورد نیاز نیز باید به‌صورت دقیق تعیین تکلیف می‌شدند.

کارشناس مسائل روسیه تاکید کرد: رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و اقتصادی اخیر میان تهران و مسکو، از جمله سفر اخیر دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به مسکو و دیدار با رئیس جمهور روسیه، نشان‌دهنده اهتمام دو کشور به اهمیت راهبردی این همکاری است. این سفرها می‌توانند به رفع موانع اجرایی، تسریع تصمیم‌گیری‌ها و تبدیل تفاهم‌های سیاسی به توافق‌های عملیاتی کمک کنند.

عابدی ادامه داد: با توجه به افزایش تقاضای فصلی گاز در زمستان، ضرورت مدیریت ناترازی انرژی و نیاز کشور به تنوع‌بخشی به منابع تأمین گاز، طبیعی است که باید برای نهایی‌سازی این پروژه با سرعت و جدیت بیشتری اقدام شود. البته انتقال گاز روسیه یک پروژه زیرساختی بزرگ است و نمی‌توان آن را راه‌حل فوری ناترازی زمستان پیش‌رو تلقی کرد؛ بلکه باید آن را بخشی از راهبرد میان‌مدت و بلندمدت امنیت انرژی کشور و منطقه دانست. وی اشاره کرد: نباید تأخیر در اجرایی‌سازی توافق گازی ایران و روسیه را به‌صورت یک جانبه به کم‌کاری طرف ایرانی نسبت داد. چنین پروژه‌ای دارای پیچیدگی‌های فنی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی است و نهایی‌سازی آن مستلزم فراهم شدن مجموعه‌ای از زمینه‌هاست.

ایران چگونه به هاب گازی منطقه تبدیل می‌شود؟

عفیفه عابدی، کارشناس مسائل روسیه گفت: ایران به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه، شبکه گسترده خطوط انتقال گاز و دسترسی به بازارهای مصرف در شرق، غرب و جنوب، ظرفیت تبدیل‌شدن به یکی از کانون‌های اصلی تجارت گاز منطقه را دارد؛ البته تحقق این هدف مستلزم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و توافق‌های پایدار منطقه‌ای است. یکی از عوامل پیشرفت روابط ایران و روسیه در دوره اخیر، ادراک تهران و مسکو بر وجود موانع و در عین حال، الزامات غیرقابل چشم‌پوشی در مسیر توسعه روابط دو کشور بوده که به حرکت تدریجی از همکاری‌های سیاسی و تفاهم‌نامه‌ای به سمت ایجاد سازوکارهای اجرایی و زیرساخت‌های پایدار اقتصادی و مالی منجر شده است.

نبض اقتصاد

ابعاد پنهان از واگذاری ۵.۳ همتی سپهر کیش با یک ریال!

معامله‌ی ۵.۳ همتی برای خرید ۲۰ درصد سهام شرکت «سپهر کیش ایرانیان» از سوی بهمن موتور، حالا به یکی از پرونده‌های بحث‌برانگیز صنعت خودرو تبدیل شده است؛ این در حالی است که سپهر کیش مالک ۱۰.۳ درصد از سهام ایران خودرو و کروز مالک ۷۰ درصد از سهام بهمن موتور است. این معامله می‌تواند کنترل مدیریتی سپهر کیش را به مجموعه کروز منتقل کند. تسنیم در این باره نوشت: «در صورت نهایی شدن معامله، کروز و بهمن موتور در مجموع ۵۱.۷۵ درصد از سهام سپهر کیش را در اختیار خواهند داشت. از آنجا که ۷۰ درصد از سهام بهمن موتور نیز متعلق به کروز است، این ترکیب می‌تواند کنترل مدیریتی سپهر کیش را به مجموعه کروز منتقل کند. نکته‌ی مهم آن است که سپهر کیش حدود ۷۰ هزار سهامدار مستقیم و غیرمستقیم در ساختار مالکیتی خود دارد و تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو نیز با ۳۵.۷۵ درصد سهام، یکی از سهامداران اصلی آن محسوب می‌شود. بنابراین، واگذاری بخشی از سهام این شرکت، علاوه بر آثار آن بر ساختار مالکیت ایران خودرو، از منظر منافع کارکنان و بازنشستگان این مجموعه نیز اهمیت دارد.»

فاصله ۹ ماهه تا امضای قرارداد واگذاری

یکی از مهم‌ترین ابهامات این واگذاری به نحوه برگزاری مزایده و قیمت پیشنهادی برنده بازمی‌گردد. بر اساس آگهی مزایده، تعداد سهام قابل واگذاری سپهر کیش ۶۱۰ میلیون سهم و قیمت پایه‌ی هر سهم ۸۷ هزار و ۲ ریال تعیین شده بود. بر اساس اطلاعات اعلام‌شده از نتیجه‌ی مزایده، مبلغ پیشنهاد برنده ۵۳ هزار و ۷۱ میلیارد و ۸۳۰ میلیون ریال بوده است. با تقسیم این مبلغ بر تعداد سهام عرضه‌شده، قیمت پیشنهادی هر سهم به ۸۷ هزار و ۳ ریال می‌رسد؛ یعنی تنها یک ریال بیشتر از قیمت پایه. به این ترتیب، اختلاف کل پیشنهاد برنده با قیمت پایه‌ی محاسباتی، تنها ۶۱۰ میلیون ریال معادل ۶۱ میلیون تومان است؛ رقمی که در مقایسه با ارزش بیش از ۵.۳ هزار میلیارد تومانی معامله، ناچیز به نظر می‌رسد. نکته‌ی قابل توجه دیگر آن است که بر اساس اطلاعات منتشرشده، بهمن موتور تنها متقاضی این مزایده بوده است. بنابراین، پرسش اصلی این است که چرا در واگذاری بلوکی به ارزش بیش از ۵.۳ همت، هیچ متقاضی دیگری برای رقابت با خریدار وارد مزایده نشده است؟ همچنین، بر اساس مکاتبات منتشرشده، نتیجه‌ی مزایده در اول بهمن ۱۴۰۴ اعلام شده، اما قرارداد خرید سهام در سوم آبان ۱۴۰۵ منعقد شده است؛ یعنی بیش از ۹ ماه فاصله میان اعلام نتیجه و امضای قرارداد وجود دارد. در حالی که طبق شرایط اعلام‌شده در آگهی، اعتبار پیشنهاد مزایده یک ماه بوده است، این سؤال مطرح می‌شود که پیشنهاد برنده چگونه پس از پایان مهلت اعتبار، همچنان مبنای انعقاد قرارداد قرار گرفته است؟ این خبرگزاری تأکید کرد: «با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از سهام سپهر کیش متعلق به تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو و سهامداران آن است، انتشار اسناد مزایده، گزارش کارشناسی، مستندات تمدید اعتبار پیشنهاد و گزارش توجیه اقتصادی معامله می‌تواند به روشن‌شدن ابعاد این واگذاری کمک کند.»

مدیران سپهر کیش جزئیات را اعلام کنند

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در گفت‌وگو با اقتصاد معاصر گفت: «شرکت تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو حدود ۷۰ هزار سهامدار دارد و واگذاری دارایی‌های آن مستقیماً با حقوق این افراد مرتبط است؛ مدیران تعاونی باید درباره‌ی جزئیات مزایده، نحوه‌ی قیمت‌گذاری، علت تأخیر در قرارداد و منافع حاصل از واگذاری پاسخگو باشند. وی تأکید کرد: شورای رقابت باید آثار این معامله بر تمرکز مالکیت و کنترل مدیریتی در صنعت خودرو را بررسی کند. سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع نظارتی نیز باید به ابهامات ارزش‌گذاری، نحوه‌ی برگزاری مزایده و تأخیر در انعقاد قرارداد رسیدگی کنند. پیش از قطعی شدن انتقال سهام که تا هفته‌ی آینده خواهد بود، باید همه‌ی ابهامات حقوقی و اقتصادی برطرف شود و حقوق سهامداران تعاونی خاص مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت

جنگ داخلی در اردوگاه جمهوری‌خواهان

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

دیلی‌میل در گزارشی به نقل از چهار منبع آگاه نوشت ترامپ روز پنجشنبه، در جلسه‌ای با حضور شماری از دستیاران ارشد خود، وایلز را به دلیل شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان به‌شدت سرزنش کرد. به روایت این منابع، فریادهای ترامپ تا زمان خروج وایلز از اتاق ادامه داشت و برخی منابع مدعی شدند رئیس جمهور شخصاً دستور خروج او را صادر کرده است. البته یک مقام کاخ سفید وقوع چنین مشاجره‌ای را رد کرده است.

این اختلاف در شرایطی رخ داده که جمهوری‌خواهان در انتخابات سوم نوامبر، کنترل هر دو مجلس نمایندگان و سنا را از دست داده‌اند. شکستی که نه‌تنها موقعیت سیاسی ترامپ را تضعیف کرده، بلکه آینده دو سال باقی‌مانده از ریاست جمهوری او را با موانع جدی روبه‌رو ساخته است.

وایلز که از طراحان اصلی پیروزی انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۲۴ بود، پس از شکست اخیر به یکی از اهداف انتقاد در حلقه نزدیکان رئیس جمهور تبدیل شد. دیلی‌میل گزارش داده او قصد داشت تا فوریه آینده در سمت خود باقی بماند تا انتقال مسئولیت‌ها به‌آرامی انجام شود؛ اما ترامپ این درخواست را نپذیرفت. سرانجام جمعه، انتصاب استیون میلر به ریاست دفتر کاخ سفید رسماً اعلام شد.

با این حال، بحران جمهوری‌خواهان صرفاً اختلاف بر سر مدیریت یک ستاد انتخاباتی نیست. نتایج نظرسنجی گسترده آسوشیتدپرس از بیش از ۱۰۰ هزار رأی‌دهنده نشان می‌دهد نزدیک به دو سوم پاسخ‌دهندگان، سیاست‌های ترامپ را در افزایش تورم مؤثر دانسته‌اند. همچنین حدود ۹ نفر از هر ۱۰ رأی‌دهنده، هزینه‌های زندگی را عاملی مهم یا تعیین‌کننده در انتخاب خود اعلام کرده‌اند.

افزایش قیمت‌ها، فشار تعرفه‌های تجاری و پیامدهای اقتصادی جنگ ایران، به مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها تبدیل شده که تبلیغات انتخاباتی جمهوری‌خواهان نتوانسته از شدت آن بکاهد. در چنین شرایطی، تلاش برای نسبت دادن شکست به یک مقام کاخ سفید نمی‌تواند پرسش‌های اصلی رأی‌دهندگان درباره معیشت و هزینه‌های سیاست خارجی را بی‌پاسخ بگذارد.

هم‌زمان، اختلافات داخلی نیز تشدید شده است. دیلی‌میل به نقل از منابع خود گزارش داده که نزدیکان وایلز تلاش داشتند مسئولیت شکست را متوجه پیت هگست، وزیر دفاع، و نقش او در جنگ ایران کنند. در مقابل، منتقدان وایلز نیز او را به مدیریت ناموفق کارزار انتخاباتی متهم کرده‌اند. این ادعاهای متقابل هنوز مستقلاً اثبات نشده‌اند، اما از شدت کشمکش بر سر مسئولیت شکست حکایت دارند.

جانشینی استیون میلر، از طراحان سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی دولت ترامپ، نیز پیام معناداری دارد. در حالی که بسیاری از رأی‌دهندگان از نحوه اجرای سیاست‌های مهاجرتی ناراضی بوده‌اند، رئیس جمهور یکی از چهره‌های اصلی همین سیاست‌ها را به بالاترین جایگاه اداری کاخ سفید ارتقا داده است.

اکنون مسئله اصلی ترامپ نه فقط خروج یک رئیس دفتر، بلکه رویارویی با کنگره‌ای تحت کنترل دموکرات‌ها، گسترش اختلافات درون‌دولتی و نارضایتی اقتصادی رأی‌دهندگان است. تغییر چهره‌ها ممکن است ترکیب قدرت در کاخ سفید را عوض کند، اما به‌تنهایی قادر نیست مشکلاتی را برطرف سازد که در انتخابات اخیر خود را آشکار کرده‌اند.

بین الملل

عبور ایران از محدودیت ۲۰۰۰ کیلومتری



سخنان تازه سخنگوی سپاه از ورود توان موشکی ایران به مرحله‌ای جدید حکایت دارد؛ مرحله‌ای که در آن، نه بمباران زیرساخت‌ها می‌تواند خط تولید موشک را متوقف کند و نه محدودیت‌های پیشین، لزوماً سقف توان عملیاتی کشور باقی خواهد ماند. سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه، در نشست خبری هفته هوافضا از انتقال تولید موشک از سطح زمین به زیر سطح خبر داد و تأکید کرد: «ما به سرعت توانستیم تولید موشک را از روی سطح به زیر سطح منتقل کنیم.» به گفته او، پیش از این شهرک‌های موشکی عمدتاً برای نگهداری و آماده‌سازی موشک‌ها به کار می‌رفتند، اما اکنون شهرهای تولید موشک در زیر زمین ایجاد شده‌اند؛ ظرفیتی راهبردی که می‌تواند تداوم تولید و پشتیبانی موشکی را حتی در شرایط جنگی تضمین کند.

محبی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره محدودیت برد موشک‌ها اعلام کرد: «این محدودیت برای ما برداشته شده است». این موضع، نشانه عبور از خودمحدودسازی پیشین در حوزه برد موشکی و بازنگری در دامنه بازدارندگی ایران ارزیابی می‌شود. پیش از این برد موشکی ایران تا ۲۰۰۰ کیلومتر تعیین شده بود. هم‌زمان، محبی از وجود شگفتی‌سازهایی خبر داد که در صورت وقوع موج سوم درگیری با دشمن، رونمایی و در میدان عملیاتی به‌کار گرفته خواهند شد.

ترکیب تولید زیرزمینی، رفع محدودیت برد و ظرفیت‌های اعلام‌نشده، پیامی روشن برای واشنگتن و تل‌آویو دارد: فشار نظامی و تهدید زیرساخت‌ها، لزوماً توان دفاعی و بازدارندگی ایران را متوقف نخواهد کرد.

اما و اگرهای تشکیل کابینه جدید در رژیم صهیونیستی معادله‌ای متناقض شکل داده است

نتانیاهو؛ تنها در باتلاق

انتخابات ۲۷ اکتبر اسرائیل نه به تشکیل دولتی تازه، که به آغاز جنگی فرسایشی میان احزاب و متحدان دیروز انجامیده است. گادی آیزنکوت با حمایت ۶۷ نماینده برای دریافت مأموریت تشکیل کابینه پیش افتاده، اما بنیامین نتانیاهو با وجود برخورداری از توصیه فقط ۴۶ نماینده، همچنان بر کرسی نخست‌وزیری نشسته است. اختلاف بر سر حضور احزاب عرب، سربازی حریدی‌ها و معامله‌های پشت‌پرده ائتلافی، راه انتقال قدرت را بسته؛ هم‌زمان، خبر توقف احتمالی کمک نظامی آمریکا نیز به مشاجره‌ای تازه در تل‌آویو دامن زده است.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

صندوق‌های رأی در اسرائیل بسته شده، اما نبرد اصلی تازه آغاز شده است. نتیجه انتخابات ۲۷ اکتبر، به جای آنکه تکلیف قدرت را روشن کند، مجموعه‌ای از ائتلاف‌های متزلزل و دشمنی‌های دیرینه را مقابل یکدیگر قرار داده است. در پایان رایزنی‌های پنجم نوامبر، اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی، رسماً اعلام کرد ۶۷ نماینده کنست از گادی آیزنکوت، رهبر حزب «یاشار»، برای مأموریت تشکیل دولت حمایت کرده‌اند و فقط ۴۶ نفر بنیامین نتانیاهو را پیشنهاد داده‌اند. با این حال، هرتزوگ تصمیم نهایی را به یکشنبه ۸ نوامبر موکول کرده است.

این اعداد برای نتانیاهو خبر خوشی نیست، اما پیروزی قطعی آیزنکوت هم محسوب نمی‌شود. لیکود با ۲۷ کرسی همچنان بزرگ‌ترین حزب کنست است و مجموع احزاب اردوگاه نتانیاهو ۵۳ کرسی دارند. چهار حزب یهودی مخالف او نیز فقط ۴۸ کرسی به دست آورده‌اند. ۱۹ نماینده احزاب عرب به آیزنکوت توصیه داده‌اند، اما شماری از شرکای احتمالی وی حاضر نیستند آنان را وارد ائتلاف کنند. بنابراین، ۶۷ توصیه به معنای ۶۷ کرسی آماده رأی اعتماد نیست. حتی هرتزوگ هم به «وتوهای متقابل» میان احزاب اشاره کرده است.

شگفتی تازه را حزب «یهودیت متحد توراتی» رقم زد. این تشکل هفت‌کرسی حریدی که سال‌ها در کنار نتانیاهو قرار داشت، در رایزنی با رئیس جمهور از توصیه هیچ نامزدی خودداری کرد. ریشه این شکاف، اختلاف فرسایشی بر سر معافیت جوانان فوق‌ارتدوکس از خدمت نظامی است. موضوعی که در سایه جنگ‌های طولانی و فشار بر نیروهای ذخیره، به بحرانی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. نتانیاهو اکنون نه‌تنها با مخالفانش، که با مطالبه‌گری متحدان مذهبی خود نیز مواجه است.

در سوی مقابل، آویگدور لیبرمن، رهبر حزب «اسرائیل خانه ما»، چرخشی معنادار کرد. او که سال‌ها از حضور در کابینه مشترک با احزاب حریدی سر باز می‌زد، روز ششم نوامبر آمادگی خود را برای مذاکره و مصالحه بر سر سربازی اعلام کرد. گزارش شبکه ۱۲ از احتمال همکاری او با «یهودیت متحد توراتی» پرده برداشت. با این حال، لیبرمن خبر توافق بر سر نخست‌وزیری چرخشی با آیزنکوت را رد کرده و همچنان با مشارکت احزاب عرب در دولت مخالفت می‌کند. حاصل، معادله‌ای متناقض است. مخالفان نتانیاهو برای کنارزدن او به جریانی نزدیک می‌شوند که تا دیروز یکی از پایه‌های قدرتش بود.

خود آیزنکوت نیز دست‌بسته نیست. او جمعه تأکید کرد هر شریک تازه باید اصل خدمت نظامی یا ملی همگانی را بپذیرد. مطالبه‌ای که با خواسته اصلی احزاب حریدی برخورد می‌کند. هم‌زمان، نفتالی بنت، یائیر لاپید و یائیر گولان در اردوگاه مخالفان نتانیاهو بر ضرورت تغییر دولت توافق دارند، اما درباره ترکیب کابینه اختلاف باقی است. طرح تشکیل دولت اقلیت با حمایت یا خودداری برخی احزاب از رأی مخالف نیز مطرح شده، اما لیبرمن با اتکای دولت به احزاب عرب مخالفت کرده است. به تعبیر تحلیل منتشرشده در هاآرتص، مخالفان نتانیاهو در حالی به آرای عرب نیاز دارند که از پذیرش آنان به‌عنوان شریک کامل قدرت هراس دارند.

بحران به میز مذاکره ائتلاف‌ها محدود نمانده است. نتانیاهو و متحدانش پس از انتخابات ادعاهایی درباره تخلف و دخالت خارجی مطرح کردند. اما کمیته مرکزی انتخابات نتایج را تأیید کرد و اعلام داشت شواهد موجود، مخدوش‌شدن نتیجه را نشان نمی‌دهد. رئیس این کمیته نیز درباره خطر زیر سؤال بردن مشروعیت انتخابات هشدار داد. در چنین فضایی، رقابت بر سر کابینه به نزاعی درباره اعتماد عمومی به سازوکار انتقال قدرت تبدیل شده است.

هم‌زمان خبر سیاسی مهم دیگری از واشنگتن رسید. دونالد ترامپ سوم نوامبر اعلام کرد کمک سالانه حدود چهار میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل در پایان ۲۰۲۶ متوقف خواهد شد. دفتر نتانیاهو این اظهارات را تکذیب نکرد. ولی آیزنکوت و یائیر گولان درباره تبعات امنیتی آن هشدار دادند. البته توافق فعلی کمک ۳۸ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۲۸ برقرار است.

اکنون نتانیاهو تا تشکیل دولتی که رأی اعتماد بگیرد در مقام نخست‌وزیر باقی می‌ماند. نامزد مأمور به تشکیل کابینه ابتدا ۲۸ روز و با تمدید رئیس جمهور حداکثر ۴۲ روز فرصت دارد. بنابراین، حتی واگذاری مأموریت به آیزنکوت در یکشنبه آینده نیز به معنای پایان فوری دوران نتانیاهو نیست. بحران کنونی یک واقعیت را آشکار کرده است. در کنست جدید، شمار نمایندگانی که خواهان تغییر دولت‌اند، بیش از شمار کسانی است که بر سر شکل دولت جانشین توافق دارند و همین شکاف، کشمکش قدرت را ادامه‌دار کرده است.

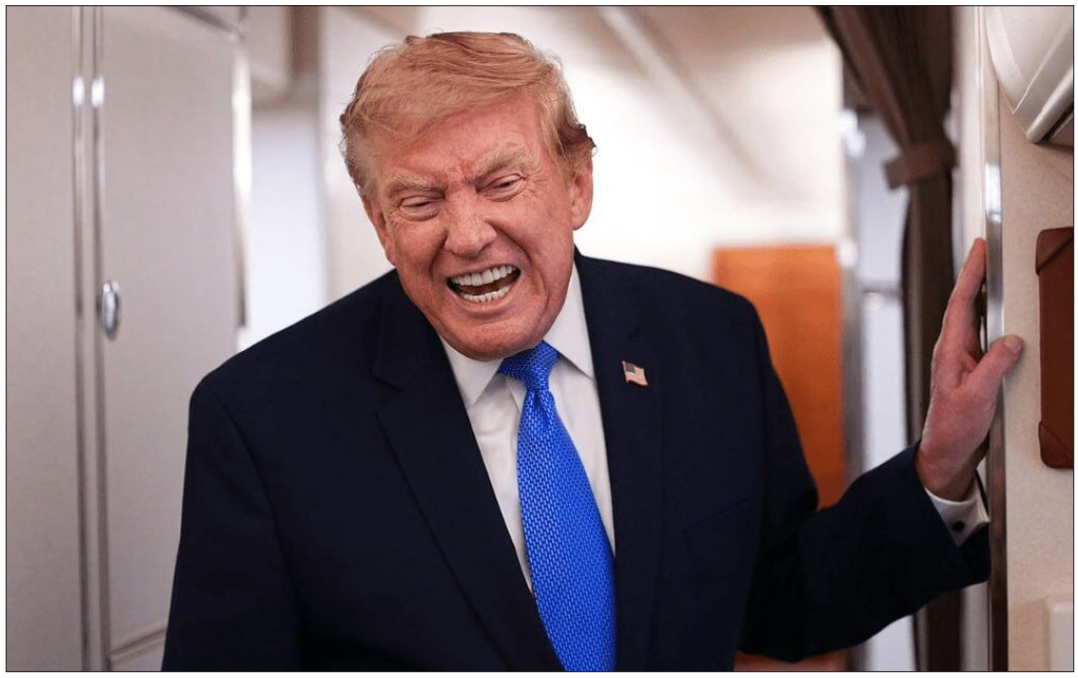
شوک ۴ میلیارد دلاری ترامپ به تل‌آویو

هم‌زمان با تشدید اختلافات داخلی اسرائیل، خبر مهم دیگری از واشنگتن بر نگرانی‌های سیاسی و امنیتی تل‌آویو افزود. دونالد ترامپ سوم نوامبر اعلام کرد کمک‌های سالانه حدود چهار میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل در پایان سال ۲۰۲۶ متوقف خواهد شد. دفتر نتانیاهو بدون تکذیب این اظهارات، تلاش کرد موضوع را در قالب گذار از «کمک مالی» به «مشارکت نظامی» توصیف کند. در مقابل، گادی آیزنکوت و یائیر گولان درباره پیامدهای امنیتی این تصمیم هشدار دادند.

ادعاهای کاخ سفید در خصوص مذاکرات جاری با ایران تکرار سناریوی فریب است

در تدارک قمار سنگین تر با حمله سوم

شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا که حتی دونالد ترامپ نیز جنگ با ایران را عامل اصلی آن دانسته، حالا به بحرانی فراتر از صندوق‌های رأی تبدیل شده است. رئیس‌جمهور آمریکا درحالی با اعتراض و اختلاف در اردوگاه جمهوری‌خواهان مواجه شده که گزارش‌ها از بررسی حمله مجدد به ایران، آماده‌سازی نظامی سنتکام و تلاش مشاوران برای استفاده از فرصت باقی‌مانده پیش از آغاز به کار کنگره جدید حکایت دارد.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نمایندگان و سنا، به نقطه آغاز بحرانی سیاسی در دولت آمریکا تبدیل شد که دامنه آن حتی به حلقه نزدیکان رئیس‌جمهور و حامیان جنگ‌طلب او نیز رسیده است. نکته قابل توجه آن است که در روزهای پس از انتخابات، اغلب تحلیلگران و حتی شخص ترامپ، جنگ آمریکا علیه ایران را یکی از عوامل اصلی شکست جمهوری‌خواهان معرفی کردند. با این حال، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا هنوز حاضر نیست پیامدهای واقعی این ماجراجویی را بپذیرد و اکنون در شرایطی قرار گرفته که باید هم‌زمان با شکست در عرصه انتخابات، پاسخگوی اختلافات داخلی و ناکامی راهبرد نظامی خود نیز باشد.

در این میان، به نظر می‌رسد ونس تلاش دارد با برجسته کردن هزینه‌های جنگ ایران و فاصله‌گذاری نسبی با تصمیمات ترامپ، مسیر سیاسی مستقل‌تری برای خود ترسیم کند. این رویکرد را می‌توان نوعی بازبرندسازی سیاسی برای آینده دانست. اما در طرف مقابل، شخصیت سیاسی ترامپ و سابقه تصمیم‌گیری‌های او نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا ممکن است برای فرار از شکست قبلی، به قمار بزرگ‌تری روی بیاورد؛ قماری که این بار می‌تواند با آغاز دور جدید جنگ علیه ایران همراه شود.

سابقه تاریخی یک قمار

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی درباره پیامدهای شکست انتخاباتی ترامپ، احتمال حمله مجدد به ایران و قرارگرفتن او در وضعیت اردک لنگ «Lame Duck» را بررسی کرده است. منظور از این وضعیت، محدودشدن قدرت سیاسی رئیس‌جمهور در دوره انتقالی تا آغاز به کار کنگره جدید در سوم ژانویه ۲۰۲۷ است. این روزنامه با اشاره به تجربه رؤسای‌جمهور گذشته می‌نویسد: «روسای‌جمهور گذشته که در وضعیت اردک لنگ قرار گرفتند، برای نشان دادن اینکه نقش آنها به‌عنوان فرمانده کل قوا بی‌تغییر است، اغلب به گزینه‌های نظامی خود روی آورده‌اند.» نمونه تاریخی این وضعیت، جورج بوش پسر است که پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۰۶ و برکناری دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت، راهبرد نظامی آمریکا در عراق را تغییر داد و با اجرای راهبرد «The Surge» شمار نیروهای آمریکایی در عراق را افزایش داد. اکنون نیز ترامپ ممکن است برای نمایش قدرت و اثبات اینکه همچنان فرمانده کل قواست، الگوی مشابهی را در قبال ایران دنبال کند؛ هرچند جنگ مجدد در شرایط فعلی هزینه‌های سنگینی برای واشنگتن خواهد داشت.

نگرانی از چنین سناریویی صرفاً یک گمانه‌زنی سیاسی نیست. شبکه ان‌بی‌سی به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داده است که مشاوران ترامپ به او گفته‌اند فرصت برای ازسرگیری عملیات نظامی گسترده علیه ایران رو به پایان است و اگر قصد اقدام دارد، باید پیش از آغاز به کار کنگره جدید وطی هشت هفته آینده تصمیم بگیرد.

از سوی دیگر، شبکه فاکس‌نیوز گزارش داده است که مقامات ارشد آمریکایی تأیید کرده‌اند ترامپ روز پنجشنبه با تیم امنیت ملی خود دیدار کرده تا درباره ازسرگیری عملیات نظامی علیه ایران گفت‌وگو کنند. به گفته این مقامات، جلساتی نیز در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در کاخ سفید برگزار شده است. فاکس‌نیوز همچنین به شرایط جوی منطقه در نهم نوامبر و شب‌های بدون ماه اشاره کرده و آن را از نظر عملیاتی برای حملات نظامی مساعد دانسته است. هم‌زمان، فاکس‌نیوز مدعی شد گزارش‌ها به نقل از یک مقام آمریکایی حاکی است که سنتکام درحال نهایی کردن مقدمات ازسرگیری احتمالی عملیات گسترده در ایران است، هرچند هنوز دستورالعمل جدیدی از واشنگتن دریافت نکرده است.

آماده باش تروریست‌های آمریکایی

ابعاد تحرکات نظامی آمریکا نیز قابل توجه است. براساس اطلاعات منتشرشده، شمار سوخت‌رسان‌های نیروی هوایی آمریکا در محدوده غرب آسیا تا اروپا به دست‌کم ۲۰۸ فروند رسیده است که ۱۰۶ فروند از آنها در محدوده پایگاه دیه‌گو گارسیا، الظفره، العدید، شاهزاده سلطان، اوودا و فرودگاه‌های بین‌المللی بن گوریون و رامون ایلات مستقر هستند. همچنین حدود ۹۱ فروند سوخت‌رسان در اروپا حضور دارند که عمدتاً برای جایگزینی سوخت‌رسان‌های خاورمیانه و پشتیبانی از جنگنده‌های درحال انتقال به منطقه استفاده می‌شوند.

اهمیت این آرایش از آن جهت است که ناوگان سوخت‌رسان می‌تواند در صورت صدور فرمان حمله، امکان اجرای سریع عملیات هوایی را فراهم کند. ضمن آنکه سوخت‌رسان‌های مستقر در الظفره، العدید و شاهزاده سلطان مدت‌هاست در پشتیبانی از جنگنده‌های اسکورت‌کننده در تنگه هرمز ایفای نقش می‌کنند تا در کنار سایر هواگردهای سرنشین‌دار و بدون سرنشین، ترددها در کریدور جنوبی امکان‌پذیر باشد.

مجموع این شواهد، در کنار شخصیت‌شناسی ترامپ و سابقه تاریخی رفتار رؤسای جمهور آمریکا در مواجهه با بحران‌های داخلی، نشان می‌دهد احتمال ماجراجویی نظامی مجدد واشنگتن علیه ایران را نمی‌توان نادیده گرفت.

اما در این میان، یک مسئله اهمیت راهبردی دارد و آن ضرورت درس گرفتن از تجربه‌های گذشته است. مذاکره در چنین شرایطی، می‌تواند به جای جلوگیری از جنگ، ترامپ را در محاسبه برای حمله مصمم‌تر کند. تجربه روزها و هفته‌های منتهی به جنگ ۳۹ روزه و پیش‌تر جنگ ۱۲روزه، مؤید همین واقعیت است.

در روزهای منتهی به جنگ ۳۹ روزه حتی عقب‌نشینی‌های بزرگ پیشنهاد شده توسط دولت، نیز نتوانست مانع تصمیم واشنگتن برای تجاوز شود. چنان‌که بنا بر اظهارات بوسعیدی، وزیر خارجه عمان، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان، در روزهای منتهی به جنگ، غنی‌سازی صفر و ذخیره‌سازی صفر پذیرفته شده بود. همچنین ولادیمیر پوتین در نهم مه اعلام کرد ایران با انتقال و رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد موافقت کرده است. با وجود این امتیازات، ترامپ که دیدی آخرالزمانی و ضد تمدنی به ایران داشته و بارها ایران را به نابودی تمدن چندهزار ساله خود تهدید کرده از این تصمیم خود عقب نشینی نکرد که این خود دید اشتباه مسئولان ارشد مذاکرات نسبت به شخصیت شناسی ترامپ را نشان می دهد. برای سومین بار نباید از یک سوراخ گزیده شویم.

ترامپ در سودای انتقام از ایران!

شکست انتخاباتی ترامپ، اختلاف با سوزی وایلز و تلاش جی‌دی ونس برای فاصله‌گذاری سیاسی با رئیس‌جمهور، نشانه‌های آشکار بحران در کاخ سفید است؛ بحرانی که ممکن است ترامپ را به تکرار قمار نظامی علیه ایران سوق دهد. هم‌زمان، استقرار گسترده سوخت‌رسان‌های آمریکایی و برگزاری جلسات امنیت ملی، احتمال ماجراجویی تازه واشنگتن را افزایش داده و ضرورت پرهیز از تکرار خطاهای دیپلماتیک گذشته را دوچندان کرده است.

یادداشت

مذاکرات جاری در کدام اتاق تصمیم‌گیری می‌شود؟

پدرام حسینی
روزنامه‌نگاری

پیام تاریخی رهبر انقلاب به مناسبت ۱۳آبان، مرزبندی روشنی با هرگونه مذاکره تسلیم‌آمیز و امیدبستن به تغییر رفتار آمریکا ترسیم کرد؛ مرزبندی‌ای که در شرایط تهدیدهای فزاینده ترامپ، تحرکات نظامی واشنگتن در منطقه و انتشار گزارش‌هایی از عقب‌نشینی‌های جدید در مذاکرات، اهمیتی دوچندان دارد. اکنون باید مشخص شود چه کسانی برخلاف موضع صریح رهبری، با تکرار مسیرهای شکست‌خورده، زمینه جسارت و تجاوز مجدد آمریکا را فراهم می‌کنند.

رهبر انقلاب در پیام خود تصریح کردند: «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصوّر باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملّت مسلمان ایران در سایهٔ توکّل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده برباد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.»

این موضع‌گیری صرفاً یک توصیه سیاسی نیست؛ ترسیم خط قرمز در برابر جریانی است که همچنان تصور می‌کند می‌توان با امتیازدهی، اعتمادسازی و جلب رضایت ترامپ، ماشین دشمنی آمریکا را متوقف کرد. با این حال، گزارش‌های روزهای اخیر از تداوم مذاکرات و بررسی پیشنهادهای تازه، نشان می‌دهد ظاهراً برخی همچنان در همان مسیر حرکت می‌کنند؛ آن هم درست زمانی که نشانه‌های میدانی از احتمال حمله مجدد آمریکا حکایت دارد.

وال‌استریت ژورنال گزارش داده است هیئتی ایرانی برای بررسی توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن عازم دوحه خواهد شد. براساس این گزارش، طرح پیشنهادی روی میز، دوره گفت‌وگوهای مقدماتی را از ۶۰ روز به تنها دو روز کاهش می‌دهد. هم‌زمان، ترامپ از احتمال توافق سخن گفته و جی‌دی ونس نیز مدعی پیشرفت در مذاکرات شده است. گزارش‌های بلومبرگ و نیویورک تایمز نیز از بررسی پیشنهادهای هسته‌ای میانجی‌های قطری توسط ایران حکایت دارند؛ پیشنهادهایی که ظاهراً موضوع محدودسازی برنامه هسته‌ای را دوباره به دستور کار بازگردانده‌اند.

مسئولیت کسانی که برخلاف این موضع صریح رهبری، در حال پیگیری چنین روندی هستند، باید در هر سطحی روشن شود. چه کسانی پیشنهادهای محدودکننده هسته‌ای را دوباره روی میز گذاشته‌اند؟ چه کسانی با وجود سابقه دو بار فریب خوردن، همچنان به وعده‌های ترامپ اعتماد می‌کنند؟ این افراد و مسئولان در هر سطحی باید معرفی شوند و درباره تصمیم‌ها، مأموریت‌ها و پیامدهای اقداماتشان در برابر نهادهای مسئول پاسخگو باشند؛ در صورت احراز تخلف یا عدول از وظایف قانونی نیز باید مورد مواخذه و محاکمه قرار گیرند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

کودکی و نوجوانی حاج قاسم روی پرده سینما

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

سینمای ایران برای روایت شهدای قهرمان خود با یک ضرورت جدی روبه‌روست: عبور از تصویرهای آشنا و رسیدن به شناخت انسانی و تاریخی شخصیت‌هایی که زندگی‌شان بخشی از حافظه جمعی جامعه شده است. شهید حاج قاسم سلیمانی، به عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران، ظرفیت روایی گسترده‌ای دارد که هنوز بخش بزرگی از آن در سینمای داستانی مورد توجه قرار نگرفته است. فیلم سینمایی «کوچ» ساخته محمد اسفندیاری، با تمرکز بر دوران کودکی تا جوانی این فرمانده شهید، تلاشی برای ورود به این قلمرو است.

اهمیت «کوچ» پیش از هر چیز در انتخاب مقطعی از زندگی حاج قاسم است که معمولاً زیر سایه تصویر شناخته شده او قرار می‌گیرد. مخاطب ایرانی سال‌هاست قاسم سلیمانی را در قامت فرمانده‌ای مقتدر و نماد مقاومت می‌شناسد. با این حال، شناخت یک شخصیت تاریخی تنها با مرور دستاوردهای دوران بلوغ و مسئولیت او کامل نمی‌شود. پرسش اساسی این است که آن شخصیت چگونه شکل گرفته و چه تجربه‌هایی از خانواده، کار، فقر، رفاقت و زیست اجتماعی در ساختن جهان‌بینی او نقش داشته‌اند.

«کوچ» با الهام از کتاب «باران گرفته است» به سراغ همین ریشه‌ها می‌رود. در این روایت، قاسم نوجوانی از دل یک خانواده و محیط اجتماعی واقعی است. تلاش برای تأمین معاش، مواجهه با دشواری‌های زندگی و تجربه زیست جمعی، عناصر مهم این تصویرند. چنین رویکردی امکان فهم یک نکته بنیادین را فراهم می‌کند: شخصیت‌های بزرگ تاریخی بیرون از مناسبات جامعه و زندگی مردم ساخته نمی‌شوند.

از این منظر عنوان «کوچ» نیز واجد معنایی فراتر از جابه‌جایی جغرافیایی است. کوچ را می‌توان استعاره‌ای از مسیر رشد، عبور از دشواری‌ها و شکل‌گیری تدریجی شخصیت دانست. قهرمان ملی در این نگاه، موجودی جدا افتاده از مردم نیست که از ابتدا با ویژگی‌های اسطوره‌ای متولد شده باشد. او از متن همان جامعه‌ای برمی‌آید که بعدها برای دفاع از آن مسئولیت می‌پذیرد. این نگاه، فاصله میان اسطوره و انسان را کم می‌کند و امکان الگوپذیری نسل جوان را افزایش می‌دهد.

البته اهمیت «کوچ» را نباید با پایان یافتن نیاز سینمای ایران به روایت زندگی حاج قاسم اشتباه گرفت. زندگی شخصیتی با چنین ابعاد تاریخی، به یک فیلم و یک دوره از زندگی محدود نمی‌شود. سینمای ایران همچنان به آثاری نیاز دارد که نسبت میان تجربه شخصی او، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و شکل‌گیری جبهه مقاومت را با عمق تاریخی بیشتری بازخوانی کنند. «کوچ» می‌تواند گامی در این مسیر باشد و تلاشی برای بازگشت به نقطه آغاز زندگی بزرگ‌مردی که نامش در تاریخ ماندگار خواهد بود.

منصور انوری نویسنده بلندترین رمان انقلاب اسلامی بود، اما آنطور که شایسته‌اش بود قدر ندید

در رثای منصور انوری، راوی مهجور انقلاب

منصور انوری، نویسنده مجموعه دوازده‌جلدی جاده جنگ، صبح جمعه پانزدهم آبان ۱۴۰۵ در ۷۱ سالگی درگذشت؛ خبری که دخترش معصومه انوری آن را تأیید کرد. او متولد ۱۳۳۴ در یکی از روستاهای نیشابور بود و بیش از سه دهه از عمر خود را صرف روایت داستانی تاریخ معاصر ایران کرد، اما تعداد کمی از دوستداران ادبیات شناختی نسبت به او و قلمش داشتند. دلیل این امر البته به ضعف انوری در زمینه داستانپردازی برنمی‌گشت، چون وی یک نویسنده تمام‌وقت بود و میزان دانسته‌ها و زیست شخصی‌اش بسیار پربارتر از نویسندگان مطرح این دوران به‌نظر می‌رسید. انوری با وجود آنکه مورد تحسین بسیاری قرار گرفت و توانست جایزه جلال آل احمد را هم به دست بیاورد، اما به دلیل ضعف نشر در زمینه توزیع آنطور که باید و شاید مورد اشاره و نقد قرار نگرفت؛ رویکردی که خوشبختانه در قبال هدایت‌الله بهبودی و مرتضی سرهنگی تکرار نشد. در این گزارش قصد داریم نقبی به کارنامه این نویسنده ارزنده بزنیم.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

انوری در گفت‌وگوهای پیشین خود همواره تأکید می‌کرد که نگارش جاده جنگ یک پروژه سفارشی از سوی هیچ نهاد یا سازمانی نبوده است. او با نگاهی به ادبیات جهان متوجه شد که برای همه انقلاب‌های تاریخ رمان نوشته شده است، اما در ایران هنوز کسی برای ثبت روایت داستانی انقلاب اسلامی اقدام نکرده بود. همین احساس مسئولیت شخصی او را برآن داشت تا دست به کار شود و روایتی مستند و داستانی از تاریخ انقلاب را رقم بزند. این اثر عظیم داستانی، سفری طولانی از خراسان به خراسان است. پیرنگ داستان از سوم شهریور ۱۳۲۰ و هجوم نیروهای متفقین از شمال شرقی ایران آغاز می‌شود و با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به سر می‌آید.

ساختار این مجموعه به‌گونه‌ای طراحی شده که هفت جلد نخست آن به تشریح حضور روس‌ها در ایران اختصاص دارد. جلدهای میانی وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲، فعالیت گروه‌های اسلامی، پیروزی انقلاب و خرابکاری‌های ضدانقلاب در کردستان را پوشش می‌دهد و پنج جلد پایانی نیز به تشریح حوادث و جزئیات جنگ تحمیلی می‌پردازد.

انوری در فرایند خلق این اثر، الگوهای جهانی مانند جنگ و صلح تولستوی، دن آرام، بر باد رفته و بینوایان را مدنظر قرار داد. او معتقد بود ارزش این آثار بزرگ در تلفیق تاریخ با آداب و رسوم اجتماعی است و صرفاً یک داستان نیستند. نویسنده جاده جنگ نیز با بهره‌گیری از آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی و گفت‌وگو با شاهدان عینی حمله متفقین، کوشید نیم قرن از حیات کشور را با جزئیات فولکلور، مسائل مذهبی و منطقه‌ای شمال خراسان بازسازی کند.

او بسیاری از آداب و سنن فراموش‌شده این دیار را در این کتاب ثبت کرد تا اثری قابل استناد و فراتر از یک روایت صرف ارائه دهد. یکی از محورهای برجسته در روایت انوری، تقابل دو دوره تاریخی است. او با استناد به اسناد و مشاهدات، تصویری تلخ از شهریور ۱۳۲۰ ترسیم می‌کرد؛ دورانی که ایران حتی ده دقیقه هم در برابر اشغالگران مقاومت نکرد.

او در روایت خود به این نکته اشاره می‌کرد که در آن روزها، فرماندهان ارتش در حالی که سربازان گرسنه، سرگردان و وفادار به دنبال رهبر می‌گشتند، اموال شخصی خود را بار زده و گریختند. سربازانی که نه پولی برای بازگشت به وطن داشتند و نه نانی برای خوردن، اما هرگز به خانه‌ها و مغازه‌ها تعرض نکردند. انوری این انفعال و فساد نظامیان آن دوره را در مقابل ایستادگی هشت‌ساله و مردانه مردم و رزمندگان در جنگ تحمیلی قرار می‌داد تا نشان دهد ملت ایران چگونه در گذر زمان هویت، غیرت و توان دفاع از خود را بازیافته است.

با این همه، پرسش‌هایی درباره میراث او باقی می‌ماند. رمان دوازده جلدی در روزگار خواننده کم‌حوصله، بیش از هر چیز به نقد، معرفی و آموزش نیاز دارد تا در قفسه‌ها خاک نخورد. حجم اثر می‌تواند نشانه غنای جهان داستانی باشد و در همان حال مانعی بر سر راه مخاطب تازه. اکنون که نویسنده دیگر در میان ما نیست، متن او باید خودش از کارنامه‌اش دفاع کند. انوری از روستاهای نیشابور برخاست و کوشید سرگذشت چند دهه از سرزمینش را در قالب داستان بنویسد؛ تلاشی که ارزیابی دقیق آن، تازه می‌تواند آغاز شود؛ در واقع، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی درباره ادبیات پایداری می‌توانند این مجموعه را از سطح یادداشت‌های خبری فراتر ببرند و جایگاه واقعی آن را در تاریخ رمان فارسی روشن کنند.

گزارش کوتاه

بازیگری یا کارخانه سلبریتی‌سازی؟

علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر، در اظهاراتی از تغییر نگاه به حرفه بازیگری انتقاد کرد و گفت: «امروز همه تصور می‌کنند با ورود به این عرصه باید به شهرت و ثروت برسند و سوپراستار شوند»

نصیریان در ادامه افزود این در حالی است که نسل او با عشق و انگیزه پا به این میدان می‌گذاشت. حرفی که اگرچه از زبان یکی از باسابقه‌ترین چهره‌های هنر ایران بیان شده، اما بیش از آنکه صرفاً یک گلایه صنفی باشد، پرده از ابتذالی برمی‌دارد که سال‌هاست بر بخشی از سینما و تلویزیون کشور سایه انداخته است.

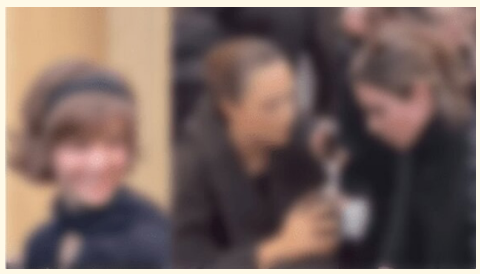
امروز با جماعتی مواجهیم که هنوز نخستین تجربه جدی بازیگری خود را پشت سر نگذاشته‌اند، اما از همان ابتدا سودای شهرت، دستمزدهای نجومی، حضور در شبکه‌های اجتماعی و تبدیل شدن به چهره‌ای پرطرفدار را در سر دارند. برای این جماعت، بازیگری نه یک هنر و نه مسیری برای خلق شخصیت و روایت قصه، بلکه سکویی برای دیده شدن و کسب درآمد است. گویی سینما به کارخانه تولید سلبریتی تبدیل شده و کیفیت بازی، دانش هنری و توانایی بازیگر در ایفای نقش، در حاشیه قرار گرفته است.

روایت نصیریان از سال‌های ابتدایی فعالیت در تئاتر سنگلج نیز تأمل‌برانگیز است. نسلی که با کمترین امکانات، بدون سالن مناسب و حتی با دسترسی محدود به منابع آموزشی، برای اعتلای تئاتر ایران تلاش می‌کرد، امروز جای خود را به کسانی داده که با وجود دسترسی به انواع کلاس‌ها، کارگاه‌ها، امکانات آموزشی و تجهیزات حرفه‌ای، گاهی ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های بازیگری را هم جدی نمی‌گیرند. درواقع مسئله کمبود امکانات نیست؛ مسئله اصلی، فقدان انگیزه، مطالعه و تعهد به هنر است.

البته شهرت و ثروت فی‌نفسه عیب محسوب نمی‌شود و هنرمند نیز مانند هر صاحب حرفه دیگری حق دارد از حاصل کار خود بهره‌مند شود؛ اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که شهرت به هدف اصلی و هنر به وسیله‌ای برای رسیدن به آن تبدیل شود. وقتی بازیگر به جای ایفای نقش، مشغول ساختن برند شخصی خود است، دیگر چه انتظاری می‌توان از کیفیت سینما داشت؟

سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به بازگشت احترام به هنر بازیگری نیاز دارد. هنری که با چند عکس تبلیغاتی، تعداد دنبال‌کننده، اظهارات شاذ و بی‌محتوای سیاسی و حضور در صفحات زرد به دست نمی‌آید. کاش مدعیان سوپراستاری پیش از آنکه برای شهرت و دستمزدهای کلان صف بکشند، اندکی از عشق، پشتکار و تعهد نسلی بیاموزند که با امکاناتی به‌مراتب کمتر، برای هنر این سرزمین اعتبار ساختند.

مسجد حرمت دارد خانم بازیگر!



انتشار تصاویر حضور سحر دولتشاهی، نگار جواهریان، مهسا حجازی و تعدادی از زنان دیگر بدون حجاب در مراسم ختم حمید علیدوستی، بار دیگر نشان داد که برای بخشی از جماعت سلبریتی، حتی حرمت مجالس سوگواری و اماکن مقدس هم مانعی برای نمایش خودنمایی و دهن‌کجی نیست. ظاهراً این جماعت چنان گرفتار توهم ستاره بودن شده‌اند که دیگر تفاوتی میان فرش قرمز جشنواره و مجلس ختم قائل نیستند.

مسجد و مجلس عزاداری برای مسلمانان حرمت و قداست دارد. حتی در کشورهایی که هیچ الزام قانونی برای حجاب وجود ندارد، رعایت پوشش متناسب با مکان‌های مذهبی و مجالس سوگواری امری پذیرفته‌شده است. کار به جایی رسیده که حتی ستاره‌های هالیوود هنگام سفر به دبی و بازدید از مساجد، با پوشش مناسب و حجاب وارد این اماکن می‌شوند، اما برخی سلبریتی‌های ایرانی در کشور اسلامی خودشان، حاضر نیستند ابتدایی‌ترین احترام را برای فضای مذهبی و مناسبت سوگواری قائل شوند. عدم برخورد مناسب با هنجارشکنی سلبریتی‌ها در وهله اول قبح رفتار خلاف شرع را شکست و حالا کار را به جایی رسانده است که از مسجد غنیز هتک حرمت می‌شود. اگر این جماعت برای پوشش و رفتار خود هیچ حد و مرزی قائل نیستند، دست‌کم باید بدانند هر مکانی صحنه نمایش و خودنمایی نیست. ظاهراً برای برخی از این چهره‌ها حتی حرمت اماکن مقدس هم در برابر میل سیری‌ناپذیرشان به دیده شدن رنگ باخته است.